

ای ایران!

ای فلات مغرور

(حکامه بازگشتگان)

با انگشتهای فلج مانده بر زه،
به بانگهای فراسوی گوش سپردم،
به افق‌هایی با جگر خونین
و غریو وحشی خلقی ستهنده
به شبح شهری جن زده
که بر بامهایش تدروهای رنگین نشسته‌اند
هر اسدگان از کابوس دم میزنند
سینه‌های زخم‌دار راه را بر شیطان می‌بندند
و این همه خط‌های مقرر
با پیچ و خم ناشیانه عبث نیست.

رهروئی بازگشته از دلان پیچ‌پیچ زمان
با نگاهش: دردناک و کاونده
با توشه‌اش: از پیمان‌های پیشین
رویش به اکنون و رویش به ابدیت
زبانش: سخن گو،
روانش: خاموش
سرآبا آغوشی بزرگ برای یاران
و مفتون شعله‌ای که از سودای شب سرزد
و در میان همه کوره راه‌ها که به دوزخ می‌پیوندند
زهی آن تیر اژدها تا بنگ که به مینوی خداوند می‌انجامد!

دزخ بر آنان که درمه سپیده جان سپردند!
و بر ترانه‌های ناشنیده
و درود بر آن تبار شگرف
که از خیزاب خونین زمان برخاست!
و بر فردای دگر که شکفتن آغازید!
و گریز شب که دیری درنگید!
و آغاز همسرانی بزرگ فرشتگان
و رقص منظومه‌ها در کهکشان روح
و درخش گلبرگها در شبکه نور
و پچپچه جوی و سنگ
و عطران
و یاقوت‌های خوشاب تاستان
و شعله نارنج
و شکوه نخل
و گذار درناها از سپیدرود
و زمین‌های زرد و داغ
و بنفش لطیف برسلان!

درود بر صف‌های بی‌پایان از فیضیه تا کاخ سفید!
و بر فقیران کوبنده آسمان خراش
درود بر سرزمین آبابلی و لبایل رنگارنگش!
و گنبدها و چینه‌های گلین و باغهای گردآلود
و تندر لوزانده‌اش در کوهسار زمانه
و سروشش و سروشش
که به طاقوتها! امان نمی‌بخشد.

آنکه که رعشه‌های واپسین یاس
با سپیدی سرو با خشکی دل همراه بود
آزدهانی که بر تخت طاووس
آهنسنگ چنبره ابدی داشت
از کتاف رانده شد،
و اینک کسانی با جامه‌های سیاه به رنگ شب
با لبان کبود از بغض
شیشه‌های زهر در دست
در پس ستونهای فرصت کمین ساخته‌اند
تا این ساغر جوشنده ارغوانی را
بیالانند...

آیا سیلابی که صخره سیاه را بر کند
این بدنامان بی‌نام را نخواهد روفت؟

در پگاهی که مه برگردد می‌خزد
و صدف‌ها در خلیج خفته‌اند
و ستاره‌موز چون چکه سیماب بر زنگار کوبومی تابند
ای ایران!
ای فلات مغرور!
ای گهواره خونین قهرمانی!
ای یاغی کهنسال تاریخ!
همه طاغوت‌ها! از دارشکنجه دیرین خویش بیاویز!

سپاه پاسداران انقلاب حمله به سفارت شوروی را صد درصد محکوم کرد

دروغ‌انوسوی سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی ایران، در رابطه
با حمله به سفارت شوروی،
اطلاعاتی صادر شد، که در آن
از جمله گفته میشود،
بقیه در صفحه ۲

سیمای بی‌آزرم امپریالیسم آمریکا

می‌توان در آینه حوادث
افغانستان بوضوح دید.
دولت اتحاد شوروی بنا بر
خواست دولت افغانستان طبق
قرارداد درستی همکاری بین دو
کشور، برای جلوگیری از توطئه
امپریالیسم آمریکا و همکاران دوست-
نشانداگانش علیه انقلاب افغانستان
به کمک سیاسی، اقتصادی و نظامی
به آن کشور برخاسته است. این امر
بمعنای دفاع از استقلال افغانستان
و انقلاب مردم افغانستان است. اما
امپریالیسم آمریکا در پیروی از
بقیه در صفحه ۲

فارتگری و تجاوز در ذات
امپریالیسم و پیش از همه
امپریالیسم آمریکا عین است.
تاریخ بسیاری از خلق‌های جهان
در دوران پس از جنگ جهانی
دوم، گواه زنده فارتگری و
تاراج امپریالیسم آمریکا از زرت
این کشورها، تعدی به حقوق
خلقها و تجاوز به استقلال و
حاکمیت آنهاست. اما امپریالیسم
امریکا تنها متجاوز و
فارتگر نیست، و قبیح و بی‌شرم
هم هست و این سیمای بی‌آزرم
آبرو باخته را از هم اکنون



ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۳۳
چهارشنبه ۱۲ دیماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۰۰ ریال

پیشنهاد حزب توده ایران برای حل برخی مسائل مبوم اقتصادی

صفحات
۵۲، ۳

نبرد با آمریکا شعار ماست امروز

مردم در مقابل
لانه جاسوسی آمریکا
فریاد زدند:

موضع
اتحاد شوروی
در شورای امنیت
نقشه‌های آمریکا
را برای «تنبیه»
اقتصادی ایران
نقش بر آب ساخت
صفحه ۸



زحمتکشان ساده دشمن اصلی خود را می‌شناسند، لذا شعار میدهند: دست امپریالیسم آمریکا از انقلاب ایران کوتاه!

ص ۲

۱۵ سال پیکار افتخار آمیز در راه انقلاب فلسطین

در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۶۵، مرحله مبارزات مسلحانه گردید. اکنون پانزده سال است که این مبارزات انقلابی قهرمانانه بخاطر سازمان آزادیبخش فلسطین آزادی سرزمینهای زاد و بومی و تشکیل دولت مستقل ملی، علیه سازمان، جنبش انقلابی خلق عرب امپریالیسم آمریکا و صیویلیسم فلسطین وارد مرحله جدید، یعنی ادامه دارد.

در کنفرانسهای سران کشورهای عرب در الجزیره و رباط در سال ۱۹۶۶ و کنفرانس کشور-های مسلمان (مارس ۱۹۷۴) هیئت نمایندگی سیاسی است. این سازمان دارای خیرگزاری رسمی بنام وفا (خیرگزاری اطلاعاتی فلسطین) و هفته‌نامه‌ای بنام

سازمان آزادیبخش فلسطین در همه کشورهای عربی و در بسیاری از کشورهای آسیا و اروپا دارای هیئت نمایندگی سیاسی است. این سازمان دارای خیرگزاری رسمی بنام وفا (خیرگزاری اطلاعاتی فلسطین) و هفته‌نامه‌ای بنام

فلسطین التوره، یعنی فلسطین انقلابی است. سازمان آزادیبخش فلسطین، بر مبنای یاس عرفات، رئیس کمیته اجرایی این سازمان، با یگیری و قابلیت در مبارزات خود علیه فلسطین) و هفته‌نامه‌ای بنام

بقیه در صفحه ۲

خط امام، خط ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب بزرگ مردم ایران است
مردم ایران برای ریاست جمهوری به فردی رأی میدهند که عمیقاً وفادار به خط امام باشد

قاتلان ۵۰۰ هزار نفر میهن دوست، دولت انقلابی افغانستان را محکوم می کنند. چرا؟!!

سیمای بی آرم امپریالیسم آمریکا...

بقیه از صفحه ۱
نقشه های تبهکارانه خود در جهان و منطقه، این امر را محملی برای چارونجبال تبلیغاتی وسیع و ایجاد جو ضدشوروی قرار داده است.

آمریکا سراسر تاریخش با نقض استقلال کشورها لکه دار و تنگین است، آمریکا که ارتش پانصد هزار نفری در خاک ویتنام پیاده کرد و سربد وزن و کودک ویتنامی را از دراز زمین و هوا، آماج سیمای تیرین حملات مزدوران خود قرار داد، آمریکا که ننگه تجاوزش بخاک ویتنام از اذهان جهانیان نازدودنی است، اکنون با این ادعای بی پایه، که گویا شوروی خاک افغانستان را «اشغال» کرده و جنگ تبلیغاتی وسیعی بر انداخته است.

آمریکا که رژیم صهیونیستی اسرائیل را با پول و اسلحه و حمایت های مادی و معنوی خود به جلا د خلق فلسطین و سایر خلف های عرب بدل نموده، اکنون خود را مدافع «حقوق خلفها» قلمداد کرده است.

آمریکا چنان برای خلق افغانستان دل میسوزاند که گویا او فقط او مدافع استقلال این سرزمین بوده است، در حالیکه نه مردم افغانستان و نه خلف های سراسر جهان، توسط های آمریکا را تا قبل از حوادث اخیر در درون و بیرون سرزمین افغانستان فراموش نکرده اند.

امپریالیسم آمریکا، با فلاسه پس از انقلاب آوریل و سقوط رژیم محمد داود دست در دست محافظ توطئه گر چین نهاد، امریکاییان متحداً عملیات تخریبی را بدست عوامل خود آغاز کردند. امپریالیسم آمریکا برای سرکوب انقلاب مردمی افغانستان، فساد و فساد را بران قائل، هواداران رژیم سلطنتی را زیر چتر حمایت خود کشید، با آنان پول و اسلحه داد، نقاب دفاع از اسلام بر چهره شان آویخت و آنان را به صحنه تیرد با انقلاب گیل داشت، و امریکاییان که نقشه های ناکام مانده و مهره جایش از گردونه خارج شده اند، شیون وزاری ناشی از شکست راه فریاد داغ از استقلال افغانستان بدل کرده است.

روزنامه القائده، چاپ لبنان، به صراحت تیرد به توطئه امپریالیسم امریکایی انقلاب افغانستان بر می دارد. این روزنامه می نویسد: «واقیات گواهی می دهد که امریکاییها در عملیات تخریبی خود در افغانستان با چین از نزدیک همکاری داشته و بدست های او با اشرار به افغانستان برای اعزام به افغانستان آماده می سازند.» (روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۰ دی ۱۳۵۸)

اکنون همین امریکایی دیسه باز و مجاز است که فریاد دفاع از استقلال افغانستان سر داده است.

امپریالیسم آمریکا علاوه بر دد شکست، اهداف دیگری را نیز از این جنگ تبلیغاتی دنبال میکند. - اشغال جاسوسخانه آمریکا در ایران از سوی دانشجویان مسلمان - رطه امام و افشاء اسناد مفتض - توطئه های این جاسوسخانه علیه انقلاب ایران، - سوچ بی آبروی کامل آمریکا در سطح کنوری و جهان شد. اکنون امپریالیسم آمریکا می خواهد با استفاده از حوادث افغانستان و ایجاد جو ضدشوروی خود را سینه خیز به عقب صحنه بکشد و دولت اتحاد شوروی - دوست همه خلف های جهان را بر جای خود بنهد.

در شرایطی که مردم ایران به رهبری امام خمینی، یکسدا امریکارادشمن عهده خود میدهند، امپریالیسم حیلگی قصد آن دارد که با استفاده از جو خود ساخته ضد شوروی، سمت مبارزه مردم را تقوی دهد، زلال میسازد یکپارچه ضد امریکایی را تیرد کند و مردم را در تشخیص دشمن عهده، دچار سردرگمی سازد. بی جهت نیست که همه ساواکی ها، عوامل وابسته به رژیم پیشین و دشمنان انقلاب، «جوتازه» را برای

هنوز دوسه روزی از وقایع افغانستان نگذشته آفتاب واقیبت از زیر ابر ضخیم تبلیغات امپریالیستها و شرکاء بیرون می آید.

توطئه امپریالیستها برای واکنش متحد در برابر افغانستان ادامه دارد. «یک هیئت عالی مقام امریکایی دیروز گفت و گوهای فوق العاده ای با نمایندگان پنج کشور غربی در لندن انجام داد تا چگونگی واکنش را که غرب باید در قبال مداخله نظامی شوروی در افغانستان نشان دهد، بررسی کند. هیئت امریکایی که ریاست آن را اورن کریستوفر معاون وزیر خارجه امریکا، بر عهده داد، با مقام های بلند پایه آلمان غربی، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و کانادا ملاقات خواهد کرد. ابتکار این گفت و گوها از طرف جیمی کارتر پس از سرنگونی و تیربار شدن حفیظ الله امین رئیس جمهوری افغانستان در کودتای روز پنجشنبه، که با پشتیبانی شوروی انجام شد، صورت گرفته است.» (جمهوری اسلامی، ۱۱ دی)

فرستاده آمریکا با مارگارت تاجر ملاقات کرده و خان تاجر طی نامه ای به کارتر به رتف گفته است. «از عملیات شوروی در افغانستان عمیقاً مضطرب است.» (همان جا)

در همان حال جیمی کارتر با دیگر مداخله نظامی شوروی در افغانستان راهبندی برای صلح جهانی نامیده، «(همان جا) همه این تبلیغات برای چیست؟ جساب را خیر گزاری امپریالیستی یونانی بریس میدهد. «امریکا در یک اظهار شدیدالحن به شوروی هشدار داد که اگر حمله شوروی به افغانستان بداخل خاک پاکستان نفوذ کند، امریکا با نیروهای مسلح خود به آن جواب خواهد داد.» (جمهوری اسلامی، ۱۱ دی)

امریکا به چه مجوزی این کار را میکند؟ برزیسکی جواب میدهد: «مشاور امنیتی کارتر گفت رئیس جمهوری وی را موظف کرده است که تهددات بیست و پنج ساله آمریکا را برای دفاع از پاکستان مورد تاکید قرار دهد.» (همان جا) برزیسکی این عمل را «قانونی» میدانند، «دولت امریکایی قانونی را دارد که بر مداخله افغانستان اسلحه بدست گیرد.» (همان جا)

معلوم میشود که دفاع شوروی از دولت انقلابی افغانستان، که

در گریز مبارزه با توطئه های تبهکارانه امریکایی در کشورش بر افروخته اند، «تجاوز» و «لشکر کشی»، «اشغال نظامی» معنی میدهد و برای «صلح جهانی» خطر دارد، اما یورش امریکا به کشور دست نشاندگان پاکستان، «حق قانونی» امریکاست و هدف از آن «دفاع از صلح» جهانی است! اما همه این کارها بدون مقدمه انجام نشده است. از لاسلای اخبار معلوم میشود که: «پاکستان برای چریک های مسلمان افغانستان در خاک خود پایگاه فراهم کرده.» (همان جا) و نظیر او را هم کلا در دست است که «چریک های ضد دولتی از سوی امریکا، چین و مصر حمایت میشوند و در اردو - گاه های که در پاکستان بنامند، تسلیم می بینند.» (بامداد، ۱۱ دی).

روزنامه القائده چاپ لبنان هم در رابطه با همین موضوع می نویسد: «واقیات گواهی می دهد که امریکاییها در عملیات تخریبی خود در افغانستان با چین از نزدیک همکاری داشته و بدست های او با اشرار به افغانستان برای اعزام به افغانستان آماده می سازند.» (جمهوری اسلامی، ۱۰ دی)

حمله قاتلان ۵۰۰ هزار نفر به دولت انقلابی افغانستان
در همین حال حمله دست نشاندگان آمریکا و رژیم های خونخوار جهان علیه افغانستان ادامه دارد.

دولت آندونزی یعنی همان رژیم که با کمک آمریکا رژیم سوکارنو را با کشتن نیم میلیون نفر و دستگیری صدها هزار نفر سرنگون کرد، به کمک اروپا آمده است. «مداخله نظامی شوروی نقض آشکار حاکمیت افغانستان و قوانین بین المللی است. هدف از این اقدام در هم کوبیدن مبارزه مسلمانان افغانستان است که علیه رژیم کمونیستی افغانستان بهیسا خاسته اند.» (آزادگان، ۸ دی)

درباره این اظهارات، دانشجویان مسلمان ایرانی، که سال پیش در همین روزها، هنگام تظاهرات علیه شاه خائن، توسط مداخلان فلی مسلمانان افغانستان، به بند کشیده شدند، بهتر از همه می توانند داوری کنند.

این آقای ملک حسین است

دولت اردن هم، که در برش همان ملک حسین، دوست صمیمی شاه مخلوع و سادات خائن و دشمن بزرگ خلق های عرب باشد،

نبرد با آمریکا، شعار ماست امروز...

«افشای هرگونه سازشکاری با امریکای خونخوار را از دانشجویان خط امام خواستاریم. کارگزاران این فاشیست ها، جاسوسخانه آمریکا جمع شده بودند، به دادن شمار پرداختند: کارتر، کارتر، حامی شاه مرگ بر کارتر، مرگ بر شاه ملت بهیست امروز، ملت بهیست امروز، نبرد با آمریکا، شعار ماست امروز»

دیگر گروه امروز کارکنان مرکز آموزش فنون هواپیمایی - آموزشگاه خلبانی بودند، که در راه پیمایی خود، همراه با شعارهای مختلف، نفرت و انزجار خود را نسبت به آمریکا بیان کردند: آمریکا آمریکا مرگ بر لیک تو خون جوانان ما می چکد از چک تو آمریکا، آمریکا، تحریم اقتصادی، دیگر اثر ندارد آمریکا آمریکا ارتش ۴۰ میلیونی از مرگ هراس ندارد. این گروه پلاکاردهای راحل می کردند، از جمله: دست امپریالیسم آمریکا از انقلاب ایران کوتاه ما خواستار افشای دالتی - جوانان پیروز خط امام هستیم مردمی که از صبح در مقابل لانه جاسوسی جمع می شوند با هر گروهی هم صدا شده با شعارهای خود شور و هیجان وصف ناپذیری را در مقابل لانه جاسوسی بوجود می آورند: جاسوس امریکایی اقدام باید گردد. دانشجوی خط امام، افشاکن، افشاکن هر گروه و دسته مختلف محکوم می نمایم. ۴ - صفیه سریع ادارات دولتی را از شورای انقلاب خواستاریم

سپاه پاسداران حمله به سفارت...

بقیه از صفحه ۱
«اکنون که انقلاب پیروز منته ملت ستم کشیده ایران بسوی هدف نهایی اش با شتابی هر چه تمام تر پیش می رود و نیساز به وحدت هر چه بیشتر دارد، دست های که معلوم نیست از چه آستینی بیرون می آیند، سعی در برهم زدن صفوف وحدت مسلمین می نمایند. لذا می بینیم، با اینکه قبلا اعلام شده بود، هیچ گروهی به حرم هیچ سفارتخانه ای حق تجاوز ندارد، متأسفانه افرادی در صفوف راه پیمایان برادران افغانی مقیم تهران رخنه کرده و سعی کردند با حمله های به سفارت شوروی پیمان وحدت را در هم شکنند»

همان رژیم که در دست امپریالیسم در خاک خود صدها مسلمان فلسطینی را شهید کرد و آنها را به توبست، افغانستان را محکوم می کند و این بار مدافع مسلمانان میشود.

«دولت اردن دخالت نظامی شوروی در افغانستان را محکوم کرد.» (آزادگان، ۱۱ دی)

تایید قاتلان لومومبا
بعدهم دولت بلژیک، از استعمارگران قدیمی، که هنوز خون لومومبا بر دستهایش خشک نشده، به میدان می آید: «حوادث اخیر افغانستان تکرارهای زیادی را برای صلح و ثبات منطقه جهان بوجود آورده است.» (همان جا) و کشور بعدی، رژیم آنتیجامی سنگاپور، از نوکران صمیمی آمریکا وانگلیس است. «اقدام شوروی در افغانستان برای آسیا نشانه ای از آنست که دهه آینده این قاره آماج جاه طلبی های شوروی خواهد بود.» (همان جا)

جاسوسان نازک دل
امپریالیستها در ایران هم سرگرم فعالیت هستند و در هتل اینست کنتیننرال تهران، «کیسه بین المللی دفاع از خلق افغانستان» تشکیل میدهند. توسط «کسانی» آقای جان تورن، وکیل امریکایی، که یکی از شرکای این کمیته هستند، توضیح میدهند: «این کمیته را من و آقای کولیه (وکیل ایتالیایی) در اینجا بوجود آورده ایم و پس از این گذشت به کشورهای خودمان، با تمام افراد آرزویخواه در سراسر جهان تماس خواهیم گرفت، تا اینکه کمیته را وسیعتر کنیم.» (آزادگان، ۱۱ دی).

هدف از ایجاد این کمیته چیست؟ بازم وکیل امریکایی جواب میدهد: «مادیر نمی توانیم در جهانی زندگی کنیم که در آن ارزش یک لقمه نان از خون بشر بیشتر است. کودتای جدید افغانستان نمونه دیگری از اعمال امپریالیسم است، که باید محکوم شود.» (همان جا) و خوب، البته عجیب نیست که این آقایان، که معلوم نیست ناگهان چطور در تهران سز شده اند، در دنیای شاه خائن، که سال پیش دست در می بطور روزها بر خیا با پنهان ایران خون ۷۰ هزار نفر را جاری کرده بود و در دنیای قتل عام های ویتنام، شیلی، فلسطین و... می توانستند زندگی کنند و حالا به دزد و قبایع افغانستان نمی توانند زندگی کنند! کمیته عجیب نیست! آخر این جاسوسهای «سیاه» همه شان «نازک دل» و «خیر خواه بشر» هستند.

۱۵ سال پیکار افتخار آمیز در راه انقلاب فلسطین...

بقیه از صفحه ۴
امریکا و تجاوز اسرائیل، هم بستگی و احترام همه نیروهای قریقی خواه جهان را بخود جلب نموده است. خواست عادلانه خلق عرب فلسطین برای آزادی سرزمینهای آن، که از جانب اسرائیل تجاوز کار اشغال گردیده، و حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ملی، از جانب شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیگر سازمانهای بین المللی بر رسمیت و بر حق شناخته شده است. سازمان آزادیبخش فلسطین بنشابه یگانه نماینده خلق عرب فلسطین از جانب جنبش شوروی غیر متعهد بر رسمیت شناخته شده و با شرکت خود در کنفرانسهای جنبش غیر متعهد ها، در مبارزات ضد امپریالیستی این جنبش نقش موثری ایفا میکند.

سازمان آزادیبخش فلسطین، با طلی پانزده سال موجودیت خود، که با مقاومت و پیکار قهرمانانه همراه بود، بیک سازمان سیاسی و نظامی مجرب و کار آزموده تبدیل شده و با قاطعیت جنبش انقلابی خلق عرب فلسطین را در راه تحقق آرمانهای ملی این خلق رهبری میکند. سازمان آزادیبخش فلسطین، در جبهه مقاومت کشورهای عرب در برابر تجاوزگری اسرائیل و در برابر تهاجمهای اسرائیل و امریکایی، امریکایی، امریکایی، مستکین ترین ضربات مسلحانه خود را علیه رژیمدگان این سازمان متوجه می سازد. اردوگاههای رزمندگان فلسطین در خاک لبنان در معرض تجاوزات مداوم نیروهای هوایی و زمینی اسرائیل قرار دارند. صدها نفر از مبارزان این سازمان انقلابی در سیاه چالهای اسرائیل در سرزمینهای اشغال شده به بند کشیده شده، زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار میگیرند و نابود میشوند.

امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل برای نابودی این سازمان، علاوه بر عملیات مسلحانه، از هیچگونه حیل و تیرنگ توطئه ای فروگذار نمیکنند. موافقت نامه های کمپ دیویس، که از تالیب خیانت رژیم خورفروخته سادات بمنافع تمامی خلف های عرب بود، به قصد

اخلال ضد انقلاب در برگزاری مراسم بزرگداشت شهدای ۱۰ دی ماه ۱۳۲۵ آذربایجان در زنجان

عوامل ضد انقلاب مراسم بزرگداشت شهدای ۱۰ دیماه ۱۳۲۵ آذربایجان را، که توسط فرقه دمکرات آذربایجان در زنجان برگزار میشد، بر هم زدند. این عوامل، که افراد شناخته شده رژیم منحوس بهلولی بودند، ضمن ایجاد رعب و وحشت تمام کارهای مربوط به بزرگداشت شهدای آذربایجان را پاره کردند. عمل این مزدوران با اعتراض وسیع مردم زنجان و تبریر شد. فرقه دمکرات آذربایجان برگزاری این برنامه را به روز دیگری موکول کرد.

فلسطین را هموارتر ساخت. پشتیبانی همه جانبه رهبر انقلاب ایران، امام خمینی، از مبارزات انقلابی خلق عرب فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین و نیز حمایت و پشتیبانی گرم و صمیمانه رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین از انقلاب ایران و برقراری روابط نزدیک میان جمهوری اسلامی ایران و خلق عرب فلسطین، بیانگر این واقیبت است که انقلاب ایران و جنبش انقلابی فلسطین با دشمنان مشترکی روبرو هستند. هم سازمان آزادیبخش فلسطین و هم رهبری انقلاب و هم نیروهای انقلابی اصلیل ایران، امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی همه خلفها و همه انقلابها و جنبش های رهایی بخش ملی میدانند و محور عهده مبارزه را در سمت این دشمن اصلی قرار داده اند. حزب توده ایران همواره و با پیگیری از مبارزات حق طلبانه سازمان آزادیبخش فلسطین در راه رسیدن به آرمانهای خلق عرب فلسطین برای تحقق حقوق سرنوشت خود و تشکیل دولت مستقل ملی پشتیبانی کرده و میکند. با سالگرد تشکیل سازمان آزادیبخش فلسطین - بیشانک رژیم خلق عرب فلسطین، را به خلق فلسطین و به سازمان آزادیبخش فلسطین و رهبر ارزنده آن باسر عرفات، صمیمانه شادباش میگوئیم و بیروزی نهایی آنان را در سزاده صحت، عادلانه شان،

پیشنهاد حزب توده ایران برای حل برخی مسائل مبرم اقتصادی

مالکیت دولتی بر ابزار و وسائل تولید، نوعی مالکیت همه خلقی و یا مالکیت اجتماعی بمعنای اجتماعی بودن نظارت بر آنهاست. منظور از خلقی کردن، جلب هرچه بیشتر زحماتشان به اداره امور کشور و موسسات دولتی است. بنظر ما، مدیریت معاصر دولتی باید در عین اتکاء به رهبری جمعی، موازین مسئولیت های فردی را نیز مراعات کند. در این مورد تشکیل شوراهای پشابه شکل سازمانی جلب زحماتشان در اداره امور واحدهای دولتی کسب اهمیت میکند. شوراهای در تنظیم برنامه اداره واحدهای صنعتی و غیره، که اجرائی آن به مدیر مسئول واگذار می گردد، نقش اساسی ایفا میکنند. اما مدیریت موسسه در اجرائی وظایف خود متکی به شوراهای بوده و در مقابل آنها پاسخگو است. گسترش و تکمیل اشکال سازمانی عملکرد موسسات دولتی و تعمیم نقش زحماتشان در اداره تولید، ضامن موفقیت بخش دولتی است.

۲- بخش تعاونی

اتحاد زحماتشان بر پایه اصل تعاون و ایجاد بخش گسترده تعاونی، که عرصه های مختلف فعالیت اقتصادی را فراگیرد، شرط ضروری پیشرفت اجتماعی است. بخش تعاونی وظیفه دوگانه ای را انجام خواهد داد: اول- بخش تعاونی بنوعی سازمان اقتصادی، یگانه وسیله تجمع انبوه تولیدکنندگان کوچک، دارندگان ابزار تولید ابتدایی در موسسات تولیدی دسته جمعی است که اداره کم و بیش متمرکز تولید را فراهم می آورد. دوم- بخش تعاونی پشابه سازمان اجتماعی، در گسترش تدریجی مالکیت خلقی بر ابزار و وسائل تولید، در گردهمایی توده های میلیونی زحماتشان بر پایه دموکراتیک و تشکیل آنها در چارچوب تعاونیها برای حل معضلات پیشرفت اجتماعی نقش موثری ایفا خواهد کرد.

بخش تعاونی علاوه بر تولید کشاورزی، دامداری و صنعتی، عرصه های توزیع و دیگر خدمات را نیز در بر میگیرد. یعنی آن عرصه های که بعلت پراکندگی تابع برنامه ریزی دولتی نیستند. بهمین سبب بخش تعاونی اهم موثر اجرائی سیاست پیشرفت اجتماعی- اقتصادی بشمار میرود، زیرا این بخش امکان آنرا خواهد داد که دولت بتواند رشد برنامه های مجموعه شرکتی تعاونی شهر و روستا را تامین و بواسطه مانده ترین نهادهای اقتصادی را از لحاظ مالی و فنی یاری دهد. مامتقدم که بخش تعاونی گسترده باید جزء جدائی ناپذیر نظام اقتصادی نوین شود و از لحاظ اهمیت، بعنوان پیوستون سادی پیشرفت اجتماعی- اقتصادی، مقام دوم را پس از بخش دولتی حائز گردد. بخش تعاونی نوین، برخلاف تعاونیهای گذشته، حربه برنده ای برای ایجاد تحول بنیادی در مناسبات تولید کشاورزی خواهد بود. تعاونیها بخودی خود مانع قلبی شدن در روستا، یعنی تمرکز ثروت در دست عده ای کم و فقر اکثریت نخواهد بود. بهمین سبب، اساسنامه تعاونیها باید دارای محتوی دموکراتیک باشد و منافع روستائیان خرده را در نظر گیرد و بازتاب خواستهای آنها باشد. بدین منظور تعاونیهای متشکل از روستائیان تهیدست باید در سالهای نخست از پرداخت مالیات بر درآمد معاف شوند، سود بازرگانی و انواع عوارض گمرکی ماشین آلات مورد نیاز کشاورزان متشکل در تعاونیها تقلیل یابد و بهره وام کشاورزی ملغی گردد. دولت باید در قیمت فروش بردهای مرغوب، کود شیمیایی، سوخت و خدمات ارائه شده، تخفیف محسوس برای شرکتیهای تعاونی قائل شود.

تنوع شرکتیهای تعاونی و چگونگی عملکرد و درجه استقلال آنها شرط ضروری نیل به اصول تعاون دموکراتیک است. شرکتیهای تعاونی، که تحت اداره مستقیم خود روستائیان و همکاری مشترک آنان بوجود می آیند، با استفاده از کمکهای دولت، به آسانی معضل اراضی کوچک را حل می کنند و با بکارگرفتن ماشینهای کشاورزی و شیوه های مدرن، کشت و زرع و برداشت و بهره گیری از روشهای علمی برای افزایش بازده دامداری، بعد مطلوب کارائی نائل می آیند. تعاونیها در کلیه عرصه ها باید دارای برنامه های ویژه هماهنگ برنامه اقتصادی دولت باشند. باید کوشید که بخش تعاونی در حل معضلات اجتماعی- اقتصادی، سازمان نوین انبوه زحماتشان شهر و روستا تبدیل گردد.

۳- بخش خصوصی و حدود فعالیت آن

سطح کنونی رشد اجتماعی- اقتصادی ایران استفاده کامل از کلیه وسائل، از آنجمله صنایع کوچک را، برای رشد نیروهای مولد ضرور میسازد. تردیدی نیست که ضرورت القای مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، که ما در فوق از آن یاد کردیم، با اصل مشارکت سرمایه خصوصی در رشد نیروهای مولد در تضاد است. بنظر ما برخورد این دو تمایل متضاد است که در آخرین تحلیل میباید تعیین کننده سیاست دولت انقلابی نسبت به بخش خصوصی باشد. این سیاست در عین گسترش اشکال دولتی و تعاونی مالکیت و تمرکز مواضع کلیدی اقتصاد ملی در دست دولت، همکاری با بخش خصوصی را نفی نمی کند. مسئله اساسی در این مورد فصلت همکاری است. دولت انقلابی میتواند و باید عملکرد بخش خصوصی را متوجه رشد نیروهای مولد بر اساس برنامه اقتصاد کرده، از بکارگرفتن سرمایه های کوچک در فعالیتهای غیر تولیدی جلوگیری کند. بخش خصوصی، در عین برخورداری از حمایت قانون، تابع محدودیتهایی نیز میشود که از آنجمله اند محدودیت رشته های سرمایه گذاری، تبعیت از برنامه اقتصادی و اجتماعی و کنترل دولتی، بخش خصوصی شامل آن عرصه های کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات میشود که بعلی هنوز نمیتوانند در چارچوب بخش تعاونی متشکل گردند. اصل چهل و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدرستی بخش خصوصی را مکمل فعالیت های دولتی و تعاونی می شمارد.

رشد اقتصادی

رشد اقتصادی متوجه ایست بفرنج و پیچیده، که ارتباط مستقیم بقیه در صفحه ۴

از قبیل تسریع آهنگ رشد نیروهای مولد، افزایش ثمر بخشی تولید اجتماعی، اداره اقتصاد ملی بر اساس برنامه ریزی علمی، ایجاد مناسبات تولیدی نوین، مترقی و عادلانه، که در مجموع خود مورد نظر جمهوری اسلامی است، رابطه مستقیم با حل مسئله مناسبات مالکیت دارد.

سرف نظر از بخش خصوصی، که در برنامه آن جداگانه سخن خواهد رفت، در نظام اقتصادی نوین، استقرار مالکیت اجتماعی، که یک دروند دراز مدت تاریخی است، از دو طریق باید اعمال گردد: دولتی و تعاونی. چنین گزینی تصادفی نبوده و بطور عمدت ناشی از وجود دو نوع مالکیت در کشور است که عبارتند از مالکیت سرمایه داران بزرگ مبتنی بر بهره کشی از زحماتشان و خرده مالکیت خصوصی بر ابزار تولید. به این دو نوع مالکیت نمیتوان برخورد همگون کرد. میتوان و باید مالکیت سرمایه داران بزرگ را به مالکیت دولتی تبدیل کرد، ولی سطح نازل نیروهای مولد و تولید اجتماعی، مسئله مالکیت تعاونی بر پایه شرکت داوطلبانه روستائیان و تولیدکنندگان کوچک شهری در تعاونیهای تولید، توزیع و مصرف و دیگر رشته های خدماتی را ایجاب میکند.

استفاده بر این از مواهب مادی و معنوی، که یکی از اهداف عمده جمهوری اسلامی است، وقتی مقدور خواهد بود که مالکیت خلقی بر ابزار و وسائل تولید تامین گردد.

واضح است که در شرایط حاضر هیچوجه مسئله القای کامل مالکیت خصوصی بر ابزار تولید مطرح نیست. جلب سرمایه های کوچک خصوصی برای رشد اجتماعی- اقتصادی، همگام با اتخاذ تدابیر جدی و قاطع در جهت تحدید فعالیت بخش خصوصی و محدود ساختن آن به تعیت از برنامه های کوتاه و دراز مدت دولت، یکی از عوامل تامین رشد اجتماعی و تحکیم انقلاب در مرحله کنونی بشمار میرود. تقویت هر چه بیشتر مالکیت دولتی و تعاونی بهایه پیوستون اقتصاد واقعا ملی و مستقل، زمینه رشد سالم نیروهای مولد مبتنی بر تریات بنیادی در ساختار اقتصادی و مالی را پدید می آید. این امر با وجود محدودیت و پهنای نرسش شرایط مادی ضروری برای بالا بردن سطح زندگی زحمت کشان را فراهم میسازد. در مرحله کنونی نظام اقتصادی مصوب قانون اساسی بدانگونه که ما آنرا در لگنیک می توانیم چارچوب مناسبی باشد برای عملی ساختن این وظایف در شرایط مشخص کشور ما.

آن، میتواند نقش تعیین کننده در کسب استقلال اقتصادی داشته باشد. پیاده کردن نظام اقتصادی نوین با دو مسئله مهم حاکمیت و مالکیت، که مضمون هر انقلابی را تشکیل میدهد، ارتباط مستقیم دارد. نظام اقتصادی نوین وقتی با موفقیت ترین خواهد بود که حاکمیت سیاسی در دست نیروهای مترقی انقلابی متمرکز گردد. فقط در چنین شرایطی دستگاه دولتی برای پیشگیری از رشد سرمایه داری و برای نوسازی جامعه بود توده های محروم بکارگرفته میشود.

هدف نظام اقتصادی نوین محدود به تامین رشد نیروهای مولد و افزایش تولید نیست، بلکه نوسازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود محرومین نیز از وظایف اساسی آن بشمار میرود. فقط یک دولت واقعا انقلابی و مؤمن به انقلاب میتواند این اهداف را بر آورده سازد.

این مطلب روشن است که دولت هر چه حفظ سیادت طبقه ای بر طبقه دیگری است، نتایجی است که این حربه در اختیار چه کسانی است، در اختیار اکثریت مظلوم و یا اقلیت متمکن. بین حاکمیت زحمتکش و سلطه اجتماعی- اقتصادی سرمایه داران بزرگ و ممالکان، شق سوم وجود ندارد. در شق نخست انانی حاکمیت و سلطه اجتماعی- اقتصادی سرمایه داران بزرگ و ممالکان و دیگر بهره کشان مطرح است، و در شق ثانی، استقرار سلطه آنها، تحکیم حاکمیت انقلابی زحمتکش، با ایجاد و تقویت ساخت نوین اقتصادی ارتباط ناگسستی دارد. در ارتباط با نظام اقتصادی نوین، مسئله مهم مالکیت، که معضل حیاتی در تعیین سر نوشت آن کشور است مطرح میگردد. سرف نظر از خواست گروههای اجتماعی، انقلابی و کمونند مردم ایران مسئله مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید را یکی از مسائل حاد موجودیت جامعه ما تبدیل کرده است. اقتصاد مبتنی بر مالکیت سرمایه داران و مالکان بزرگ بر ابزار و وسائل تولید از یک انگیزه تبعیت میکند، و آنچه گوش برای کسب حداکثر سود است، که این خود با پیشرفت اجتماعی، با تأییدات اصیل انسانی و بالاخره با عقل سلیم مغایرت دارد. تضاد میان منافع خصوصی سرمایه داران و منافع قشرهای انبوه زحمتکش، تضاد بین بسط اقتصاد و فرهنگ بود و زوای با عناصر اقتصادی و فرهنگی زحمتکش و بالاخره تضاد میان نیازمندیهای رشد و شخصیت آنها و انگیزه ها و هدفهای شش پری بورژوازی، زائیده مالکیت خصوصی بر ابزار و وسائل تولید است. در شرایط کنونی کشور ما، حل مسائل حیاتی

اصل چهل و سوم قانون اساسی و تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد، به حفظ آزادی، اوراسر لوحه فصل اقتصاد و امور مالی قرار داده است. برای رسیدن به این هدف اصل چهل و چهارم قانون اساسی، نظام اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران را بر پایه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار میسازد.

قانون اساسی بدرستی تضمین استقلال اقتصادی را عامل عمده پیشرفت اجتماعی شمرده است. انقلاب پیروز و زند مردم ایران، به رهبری امام خمینی، با قاطع نفوذ سیاست امپریالیسم از شیون کشوری، مرحله پس همی از راهائی ملی را پشت سر گذارده است. نخستین سوالی که در این زمینه مطرح میشود اینست که آیا با دستیابی به استقلال سیاسی، مبارزه در راه رهایی ملی پایان می یابد؟ آیا با پایان دادن به حاکمیت دست نشاندهگان امپریالیسم و نواستعمار و احیاء سنن ملی و تامین آزادی عمل در عرصه بین المللی، کشور از سلطه امپریالیسم نجات مییابد؟

جنبش رهایی بخش ملی دو مرحله متوالی را طی میکند، مبارزه در راه استقلال سیاسی و مبارزه در راه دستیابی به استقلال اقتصادی. این دو مرحله ارتباط ناگسستی با هم دارند. تا زمانی که تسلط و نفوذ امپریالیسم در اقتصاد ملی وجود دارد، تا زمانی که مناسبات نابرابر اقتصادی با کشورهای امپریالیستی وجود دارد، نمیتوان از استقلال واقعی سخن گفت. بدینگونه، پس از کسب آزادی سیاسی، مبارزه ضد امپریالیستی در راه استقلال اقتصادی اهمیت بیشتری کسب میکند. لذا اگر در مرحله نخست انقلاب مسئله مهم دستیابی به استقلال سیاسی مطرح میشود، در مرحله دوم، کسب استقلال اقتصادی در دستور روز مبارزه قرار میگیرد.

بدون پایان دادن به سلطه نواستعمار در کلیه شیون اقتصاد ملی، بدون از میان برداشتن موانع گوناگون اقتصادی و اجتماعی که در راه استفاده از منابع ملی، برای رشد و گسترش اقتصاد ملی به سود اکثریت محروم جامعه یعنی زحمتکش قرار دارد، آزادی ملی در چارچوب محدودی باقی خواهد ماند.

بنظر ما، نظام اقتصادی مندرج در قانون اساسی، در صورت اجرائی صحیح و یکپارچه

۱- بخش دولتی

بخش دولتی خلقی، نقش قاطع و تعیین کننده در پیشرفت اجتماعی- اقتصادی دارد. شکست راه رشد سرمایه داری در ایران، پار دیگری اهمیت برخوردار به مسئله مالکیت را بر طرز بارزی عیان ساخت. در حل معضلات اساسی اجتماعی- اقتصادی کشور سیاست دولتی کردن بخشی از وسائل تولید، در عین حفظ کمک بتوسعه سریع سرمایه داری، نمیتواند شرایط رشد تولید اجتماعی را فراهم آورد و پایه های استقلال اقتصادی را تقویت کند، زیرا در چنین صورتی تحکیم سریع موضع دولت در حیات اجتماعی- اقتصادی، بخش دولتی را به نیروی مادی لازم برای تامین روند تجدید تولید سرمایه داری تبدیل میکند، که این نیز بنوبه خود شرایط تجدید تولید مناسبات سرمایه داری را فراهم می آورد. لذا نمیتوان گفت که این فصلت طبقاتی حاکمیت دولتی و سمت گیری سیاسی آنست که هدف بخش دولتی و طریق نیل به آن در نتیجه ماهیت تجدید تولید را معین میسازد.

در دوران رژیم شاه مخلوع، بخش دولتی که تحت قیومت سرمایه داری وابسته قرار داشت، در جهت رشد بخش خصوصی سرمایه داری در پهنای و ژرفا عمل میکرد، یعنی به رشد سرمایه داری، وابسته در کشور یاری میداد. بهمین سبب ماهیت اجتماعی و اقتصادی بخش دولتی در گذشته، چیزی جز سرمایه داری دولتی ضد خلقی نبود. بخش دولتی خلقی که ما در اینجا مطرح میسازیم، با بخش دولتی سرمایه داری فرق زیادی دارد. ایجاد و تحکیم بخش دولتی خلقی، در شرایطی که نیروهای راستین انقلابی، بنمکنس کنندگان آرمان زحمتکش، حاکمیت سیاسی را بدست دارند، شرط عمده نیل به استقلال سیاسی و اقتصادی واقعی و ایجاد زمینه برای محدود کردن سو در جریان تکاملش - از بین بردن استثمار فرد از فرد است. استقرار چنین مالکیت دولتی بر ابزار و وسائل تولید و ثروت های ملی به معنای تقویت دیوانسالاری، که برخیزا دانسته یا ندانسته مطرح میسازند، نیست بلکه وسیله عمده تحقق هدفها و دورزیای انقلابی به نفع زحمتکش است، و بهمین سبب ما معتقدیم که بخش دولتی باید تنها نقش سازمان- دهنده را ایفا کند، بلکه در عین حال باید به عامل تعیین کننده رشد اجتماعی- اقتصادی نیز تبدیل گردد.

وظیفه عمده در حال حاضر، غلبه بر واپس ماندگی اقتصادی ملی و ایجاد اقتصاد با ساختاری موزون و پیشرفت، متکی به استفاده بشردانه از منابع طبیعی و انسانی داخلی است. ما معتقدیم که با ایجاد تحول ژرف و بنیادی در بخش دولتی، با یکار بستن مدیریت و سازماندهی علمی، با افزایش سرمایه گذاریهای مستقیم دولتی و ادغام ملی کردن صنایع وابسته متعلق به سرمایه داران وابسته بزرگ ممالکان، و از همه بیشتر، با تامین شرکت واقعی، فعال و گسترده زحماتشان در اداره امور این بخش به وسیله شوراهای تولیدی و خدماتی میتوان، در فاصله زمان کوتاه از دید تاریخی، به اهداف

برشمرده در فوق نائل آمد. تا گفته پیداست که حیثه عملکرد بخش دولتی مورد بحث تنها شامل صنایع نمیتواند باشد. برای پیشبرد استراتژی اقتصادی، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به تصویر رسیده بخش دولتی میباید در عرصه های بازرگانی خارجی و داخلی و بطور کلی خدمات نیز نقش موثر و تعیین کننده بپذیرد. در این زمینه انحصار دولتی بازرگانی خارجی مقام ویژه ای دارد. بدون انحصار دولتی بازرگانی خارجی، برنامه ریزی اقتصادی برای رسیدن به خودکفائی نسبی در زمینه های صنعتی و کشاورزی (که رهبر انقلاب، امام خمینی، بارها تاکید کرده اند) امریست بسیار دشوار. علاوه بر این، بخش دولتی میباید در رشته توزیع، از طریق سیستم قیمت گذاری کالاهای صنعتی و کشاورزی، کنترل بازرگانی داخلی (شرکت در عمده خرید و عمده فروشی کالاهای مورد نیاز عمومی) و کارپرد سیستم مالیاتی، دخالت مستقیم داشته باشد.

یکی دیگر از وظایف بخش دولتی کمک به رشد تولید کشاورزی است بوسیله ایجاد موسسات کشت و صنعت، نمونه های چندی از اینگونه موسسات هم اکنون وجود دارد. ولی در دوران رژیم مخلوع، در نتیجه خیانت زمانداران وقت، این موسسات بطور عمده در خدمت سرمایه داران بزرگ داخلی و خارجی قرار داشت. دولت میتواند هم از طریق سرمایه گذاری مستقیم در این موسسات و هم از راه تبدیل برخی از آنها به بخش مختلط خودگردان، با شرکت کارگران کشاورزی، نقش موثری در افزایش سریع تولید کشاورزی و ساخت و پرداخت محصولات کشاورزی آنها ایفا کند.

تمرکز بخش قابل ملاحظه ای از وسائل و ابزار تولید در بخش دولتی در عین تحکیم مواضع حکومت انقلابی، آنرا به نیروی هدایت کننده رشد معقول، حساب شده و مستمر اجتماعی- اقتصادی تبدیل خواهد کرد. روشن است که نقش هدایت کننده بخش دولتی بهیچوجه به معنای سلطه مطلق آن نیست. در شرایط مشخص کنونی، بخش خصوصی میتواند و باید در چارچوب معینی دوش به دوش بخش دولتی و تحت نظارت مستقیم آن، در رشته هایی که سرزاد طبق قانون تعیین میشود، فعالیت داشته باشد. ولی بهر حال گسترش شکل اجتماعی مالکیت در حال و آینده باید در مرکز توجه دولت انقلابی قرار گیرد.

هرگونه برخورد قشری به نقش بخش دولتی و مطلق کردن وظیفه آن بعنوان سرمایه گذار مطلق، بدون توجه به وضع اجتماعی- اقتصادی موجود و تکامل تاریخی مشخص در کشور ما، میتواند اثر نامطلوب در اقتصاد ملی از خود بجا گذارد. ترمش در اتخاذ سیاست اجتماعی- اقتصادی ضامن پیروزی است. خلغید کامل از بخش خصوصی، که پاره ای از نیروهای مطرح میسازند، در شرائط ویژه کنونی به صلاح انقلاب نیست. این امر مستلزم کارهای تدارکی ژرف در زمینه های سیاسی و سازمانی و اقتصادی است. عجله در این مورد موجب اختلال جدی نیروهای مولد را فراهم میسازد و مانع تمیز منابع داخلی و اصلاحات انقلابی در آینده میگردد.

ماهیت حاکمیت انقلابی نقش قاطع در خصلت و نقش بخش دولتی و خلقی کردن اداره آن دارد. بهمین علت، برخلاف ادعای پاره ای از صاحب نظران، مالکیت دولتی نمیتواند در عین محدودی تفسیر گردد.

بقیه از صفحه ۳

با چگونگی ساختار اقتصادی دارد. تئوری رشد اجزاء مرکب اقتصاد ملی را بطریق زیرین تعیین می کند:

- ۱- ترکیب همگانی اقتصاد ملی،
 - ۲- ترکیب اقتصاد ملی بر حسب رشته،
 - ۳- ترکیب اقتصادی و فنی اقتصاد ملی،
 - ۴- ترکیب جغرافیائی (مطلقه) اقتصاد ملی،
 - ۵- ترکیب اقتصادی و اجتماعی اقتصاد ملی،
- از لحاظ همگانی یا کلی، ساختار اقتصاد ملی شامل تناسب عرصه های تولیدی و غیرتولیدی، تناسب بین دو بخش تولید اجتماعی (۱- تولید وسائل تولید و ۲- تولید وسائل مصرف)، تناسب بین انباشت و مصرف و غیره می گردد.
- ساختار اقتصاد ملی از نظر ترکیب رشته ای، رشته های صنعت، کشاورزی، جنگلداری، ساختمان، ترابری، بازرگانی و غیره را در بر می گیرد. هر یک از این رشته ها هم بنوعی خود دارای رشته های فرعی است. مثلا رشته صنعتی مرکب از صنایع ذوب فلزات، ماشین سازی، صنایع سبک، صنایع تولید نیرو، صنایع معدنی و غیره است. رشته کشاورزی - تولید زراعی و دامپروری و ماهیگیری، رشته ساختمانی - ساختمان موسسات و مسکن و راه سازی و غیره، رشته ارتباطات - تلفن و تلگراف و رادیو تلویزیون و پست و پلاخره رشته بازرگانی - عمده و خرده فروشی و همچنین بازرگانی خارجی را در بر می گیرد.
- ترکیب اقتصادی و فنی مسائل عدیده تناسب بین رشته های سرمایه پر و کارپر مسئله اولویت آنها و کیفیت نیروی کار، درجه رشد انبوه کالائی و غیره را شامل می شود.
- رشد متناسب مجموعه این رشته ها، ساختار پیشرفته اقتصاد ملی را بوجود می آورد.

ترکیب جغرافیائی اقتصادی معرف میزان رشد نیروهای مولده را در این و یا آن منطقه نشان میدهد و معرف چگونگی تقسیم آنست در سطح کشور.

اما ترکیب اقتصادی و اجتماعی اقتصاد ملی را نهادهای گوناگون موجود در کشور (که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید مرکب از بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی باشد) تعیین میکند. از این لحاظ تعیین نقش و مقام هر یک از این نهادها و وابستگی متقابل آنها، ضرورت خاصی کسب میکند، زیرا فقط در این صورت میتوان به اهمیت مناسبی تولیدی و درجه فراگیری آن پی برد.

از آنچه گفته شد میتوان به این نتیجه رسید که ساختار اقتصاد ملی تاثیر فوق العاده ای در چگونگی روند تجدید تولید گسترده و استفاده گسترش از مجموعه صنایع مادی دارد، که این نیز بنوعی خود معرف ماهیت کسبی و کیفیت رشد اقتصادی است.

رشد اقتصادی به معنی تجدید تولید فزاینده کل تولید اجتماعی است. نقش و اهمیت رشته های مختلف اقتصادی در ایجاد کل تولید اجتماعی گوناگون است. تجربه به ثبوت رسانده است که افزایش کل تولید بطور عمده با رشد سریع تولید کالا در رشته های صنعتی امکان پذیر است، که این نیز، چنانکه متذکر شدیم، با ساختار اقتصاد ملی بطور عمده و ترکیب رشته ای آن بطور اخص رابطه دارد.

در دوران رژیم پهلوی آهنگ فزاینده رشد اقتصادی در درجه اول به حساب افزایش تولید نفت و بویژه بالا رفتن قیمت نفت خام در سالهای اخیر صورت گرفته، که این هم وابستگی به بازار نفت جهان سرمایه داری را از سوئی وابستگی عمیق اقتصاد ملی را به یک کالای واحد نشناختند. از سوی دیگر فراهم آورده است، برای اینکه بتوان به وابستگی اقتصاد از نفت خام پایان داد، باید در ساختار صنعتی و معدنی و کشاورزی دگر سازی ژرف بوجود آورد. و اما این امر فقط از طریق تنوع تولیدات صنعتی و معدنی به منظور رشد سریع صنایع تولید وسائل تولید و ایجاد تناسب بین رشد صنعتی و توسعه کشاورزی و همچنین دیگر رشته های اقتصاد ملی امکان پذیر است.

هدف از تأمین رشد اقتصادی مترقی، ترفیع زندگی مادی از طریق ایجاد کیفیت نوین بهبود زندگی (مغایر با مدل امریکائی جامعه مصرف) همگام با تأمین شرایط لازم برای رشد معنوی همگانه و بروز کامل استعدادها و قریحه های انسانی و گسترش مداوم دامنه دگرگامی است. برای رسیدن به این هدف تدابیر زیرین اهمیت دارد:

- تأمین نیازهای مردم برای کلیه افراد جامعه در زمینه های غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش،
- ایجاد شرایطی که در آن هر فرد قادر به انتخاب شغل مورد علاقه خود گردد و بتواند از حاصل کار خویش بهره مند گردد،
- معانت از ایجاد دو قطب متضاد ثروت و فقر در جامعه بوسیله اتخاذ سیاست مالیاتی و استفاده از سایر اهرم های اقتصادی به منظور جلوگیری از انباشت و تمرکز ثروت در دست اقلیت،
- تأمین رشد سریع و مداوم آن بخشهایی از اقتصاد ملی که بتواند طی زمان نیاز مندیهای اساسی کشور را برآورده سازد و بدینسان جامعه را بفرسود خود کفائی نسبی سوق دهد.

اجرای سیستم برنامه ریزی دقیق و حساب شده و منطبق با امکانات داخلی برای پایان دادن به مرحله سوم «بازار آزاد» و در جهت ایجاد وحدت مراحل تجدید تولید اجتماعی، یعنی تولید نم مادی، توزیع و مبادله و بالاخره مصرف (شخصی و تولیدی) در فعالیتهای اقتصادی و همچنین تأمین رشد هماهنگ و هم پیوند رشته های جداگانه اقتصادی و رشد موزون اقتصادی از لحاظ جغرافیائی،

- تبدیل سرمایه داری به یک نیروی مسلط سیاسی جلوگیری بمل آورد.
- گسترش مواضع سیاسی زحمتکشان همگام با تجدید مواضع سیاسی سرمایه داری، به منظور ایجاد تدریجی رونمای سیاسی مرکب از ائتلاف وسیعی از نیروهای صادق ومومن به انقلاب و پذیرش درنوسازی اجتماعی و تقویت مبارزه ضد امپریالیستی،
- ابعالی مدیریت علمی در اداره رشته های اقتصادی،
- تأمین پیشرفت همگون شهرها و روستاها با توجه بیشتر به نوسازی روستاها،
- یکپارنداختن ابتکار خلاق و انرژی لایزال توده ها از طریق تشویق مادی و معنوی،

- قرار دادن سیستم بانکی در خدمت رشد موزون اقتصاد ملی،
- ایجاد پیوند مستقیم بین ساختار اقتصادی و زیربنای علمی و فنی،
- خانه دادن شرکت ناپرابر ایران در تقسیم کار بین المللی،
- از راه پایان دادن به هر نوع سلطه امپریالیسم در اقتصاد، ملی کردن سرمایه های انحصاری خارجی، استقرار مناسبات اقتصادی و فنی بر پایه نظام نوین، یعنی برابری، صرفه متقابل و عدم مداخله دامور داخلی،
- دوری جستن از خط مشی «مقابله یکسان» در سیاست خارجی،
- بمعنی توجه دقیق به فرق اصولی موجود میان دول امپریالیستی و دول ضد امپریالیستی و گسترش مناسبات همه جانبه با متحدین بالقوه در عرصه بین المللی در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه استقلال اقتصادی،
- برنامه اقتصادی کشور در کلیه زمینه ها، باید با در نظر گرفتن نکات یادآوری شده در فوق، تنظیم و تدوین گردد.

برنامه صنعتی

بنظر ما، برنامه صنعتی دولت، در شرایط کنونی، باید دوسرخله درازمدت و کوتاه مدت را در بر گیرد.

پیشنهاد حزب توده ایران برای صنایع ذوب فلزات و ماشین سازی

۱- برنامه درازمدت

در این مورد توضیح مختصری ضرور است. درجه رشد اقتصادی هر کشوری در وهله نخست توسط ترکیب صنایع تعیین میشود. زیرا در آخرین تحلیل، این ساختار صنعتی اقتصاد ملی است که میتواند رشد اقتصادی موزون، درازمدت و مداوم را تأمین کند. این هم فقط از طریق پایه گذاری صنایع سنگین و مجتمع های تولیدی سرمایه پر و تلفیق آنها با صنایع کاربری، بپسود شاخص های کیفی اقتصاد و قبل از همه بهبود کیفیت نیروی کار و درجه سازماندهی تولید انبوه کالائی امکان پذیر است.

انتخاب و ایجاد بهترین تناسب ساختار صنعتی روندهی بسیار پرنسب است. عواملی که در این زمینه میباید در نظر گرفته شود عبارتند از ایجاد تناسب بین انباشت و مصرف، بین آهنگ رشد صنایع تولید وسائل تولید (بخش ۱) و صنایع تولید لوازم مصرف (بخش ۲)، تلفیق صنایع سرمایه پر و کاربری با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت نیروی انسانی و سن ملی و غیره.

مهمترین عامل مؤثر در ایجاد ساختار موزون صنعتی انتخاب بهترین تناسب بین دو بخش ۱ و ۲ تولید اجتماعی است، کشور ما که در نتیجه خیانته رژیم شاه مخلوع نتوانسته است این تناسب را بدست آورد، در نتیجه تولید راز شد، مجبور است در مرحله اولی، رشد سریع بخش ۱ تولید اجتماعی را تأمین کند. عدم تولید وسائل تولید عمده عامل وابستگی به خارج بشمار میرود. این اصل در مورد کلیه کشور - ها، بدون استثنا، صادق است و یکی از عوامل عمده وابستگی کنونی صنعتی ایران به جهان سرمایه داری بشمار میرود.

بدون احداث صنایع سنگین و کلیدی، که هم رشته تولید وسائل تولید و هم رشته تولید لوازم مصرفی و همچنین دیگر رشته های اقتصادی (کشاورزی، ترابری، ساختمان، ارتباطات) را با وسائل تولید و ابزار کار مجهز میسازد، صنعتی شدن معنی و مفهومی نمیتواند داشته باشد. آنچه امروز در ایران صنعت نامیده میشود، بطور عمده حلقه های جداگانه رشته زنجیری است که با هم دیگر رابطه تولیدی ندارند. به وجود آوردن تعداد کثیری صنایع در هر رشته و ناسامان و پراکنده و بطور عمده مونتأژ معنی صنعتی شدن نمیتواند داشته باشد. صنعتی شدن، یعنی ایجاد مجتمع های تولیدی و فنی کلیدی. اینگونه مجتمع ها معمولاً با از طریق هم پیوندی عمودی (اکتشاف، استخراج، تبدیل مواد خام به مواد نیم ساخته و سپس کالای نهائی) و یا از راه هم پیوندی افقی (شرکت رشته های مختلف صنعتی در تولید کالاهای معین) بوجود می آید.

بنظر ما، برای پایان دادن به وابستگی فنی و تکنولوژیک انحصارهای چند ملیتی، که عملاً رشد صنعتی واقعی و ایجاد تکنولوژی ملی را سد کرده و مسئله صنعتی شدن را تابع امیال شرکت های نامبرده ساخته بود، چاره ای جز پی ریزی صنعتی از طریق ایجاد مجتمع های با هم پیوندی های عمودی و افقی نداریم. به ویژه اینکه کشور ما استعداد چنین پیشرفت صنعتی را دارد.

ایران در زمره آن کشورهای نادری است که میتواند با اتکا به منابع عظیم داخلی این طریق پیشرفت صنعتی شدن را انتخاب کند و با تنظیم برنامه های دقیق و منسجمه به اجرای آن نائل آید. مزیت این صنایع، که تاثیر مهم در بهبود ترکیب کمی و کیفی درآمد ملی و افزایش سریع و مداوم آن دارد، پوشیده نیست. این صنایع در موارد زیرین مؤثر خواهند بود:

- بالا بردن سطح اشتغال،
- جلوگیری از فرار ارز از کشور در آینده،
- کمک به ایجاد تکنولوژی ملی.

اگر بخش قابل ملاحظه ای از ارزش افزوده صنایع مونتأژ و یا صنایع متکی ب مواد خام و نیم ساخته خارجی بطرق گوناگون بخارج از کشور منتقل میشود، ارزش افزوده صنایع متکی ب مواد خام داخلی صد درصد در کشور باقی میماند، که اینهم بنوعی خود منجر به انباشت سرمایه و تراکم ابزار تولید در داخل کشور میشود.

برای پایان دادن به هر چه مورج صنعتی (وجود انواع ماشین آلات و تکنولوژی وارداتی) شرط نخست احداث صنایع تولید وسائل تولید مورد نیاز بازار داخلی است. در این مورد باید به چند سوالی که هم اکنون مورد بحث محافل گوناگون است، پاسخ گفت:

- ۱- آیا ما میتوانیم در فاصله زمان کوتاه از لحاظ تاریخی به خود کفائی در رشته های مهم و حیاتی نائل آیم؟
- ما برآنیم که میتوانیم باتدوین و بپوش اجرا گذاردن یک برنامه جامع و انتخاب راه مشخص صنعتی شدن، از طریق تعیین اولویت ها به این هدف برسیم. این امر تمرکز سرمایه گذاری را در چند رشته صنعتی مهم و حیاتی ایجاد می کند. در انتخاب این رشته ها باید دو عامل عمده در نظر گرفته شود: بهره برداری کامل از منابع موجود داخلی و تأمین بازار داخلی با وسائل تولید مورد نیاز رشته های عمده صنعتی.
- ۲- آیا ایجاد این صنایع از لحاظ اقتصادی سودآور خواهد بود؟

حرف بر سر آنستکه برحسب (چنانکه در نمونه صنایع ذوب آهن مطرح شد) در برخورد به کسب استقلال اقتصادی و پایان دادن به وابستگی، فقط موضوع سودآوری اینها از نظر حراح مطرح میسازند و مسائل اقتصادی و سیاسی را جدا از هم مورد بررسی قرار میدهند.

باید گفت که شاید در مواردی وارد کردن ابزار و وسائل تولید از خارج برتر از ازشان از تولید آنها در داخل باشد. در دوران رژیم شاه مخلوع، با اتکا به این اصل، از ایجاد صنایع تولید وسائل تولید جلوگیری بعمل می آمد و در موارد عدیده ای آن بخش از صنایع کلیدی (مانند کارخانه های ماشین سازی) که هدف از ایجادشان پایه گذاری صنایع تولید وسائل تولید در داخل کشور بود، عملاً به کارگاه های مونتأژ تبدیل شدند.

طبق محاسباتی، در مراحل اولیه هزینه تولید ابزار و وسائل تولید در داخل کشور بین ۲۰ تا ۴۰ درصد از ارزش ماشین آلات مشابه وارداتی بیشتر خواهد بود. لذا ما نمیتوانیم در انتظار سودآوری این گونه صنایع در این مرحله باشیم. اصولاً رشته های صنعتی کلیدی، حداقل پس از ۱۰-۱۵ سال به وسرجه بلوغ فنی میرسند، زیرا، در این فاصله زمانی است که ما خواهیم توانست تولید وسائل تولید را، یعنی از آغاز تا انجام، در داخل کشور سازمان دهیم. به همین سبب بحث بر سر سودآوری این و یا آن رشته مارا به نتیجه مطلوب نخواهد رساند. کسب استقلال اقتصادی خواه ناخواه تحمل پاره ای هزینه های اضافی را در مراحل اولیه رشد صنعتی همراه خواهد داشت.

تجربه دیگر کشورها نشانگی آنست که معضلات نامبرده غیرقابل حل نیست، ما معتقدیم که برنامه درازمدت باید در وهله نخست ایجاد سه گروه از صنایع بنیادی را مد نظر قرار دهد:

- ۱- صنایع ذوب فلزات و ماشین سازی،
- ۲- صنایع شیمیائی و پتروشیمی،
- ۳- صنایع تولید برق.

اگر ایجاد این صنایع بپایه پایه و اساس صنعتی شدن مورد قبول واقع شود، اتخاذ تصمیم درباره میزان تولید و مصرف و انواع دیگر صنایع مرتبط با این صنایع بنیادی آسانتر خواهد بود.

صنایع ذوب فلزات و ماشین سازی - صنایع شیمیائی و پتروشیمی، صنایع تولید برق - اگر ایجاد این صنایع بپایه پایه و اساس صنعتی شدن مورد قبول واقع شود، اتخاذ تصمیم درباره میزان تولید و مصرف و انواع دیگر صنایع مرتبط با این صنایع بنیادی آسانتر خواهد بود.

صنایع شیمیائی و پتروشیمی

درآمد نفت بخشی از ارزش جدید بوجود آمده در کشور است. ولی سالیان درازست که سهم قابل ملاحظه ای از این ارزش، بعلت صدور نفت بشکل خام، بخارج از کشور انتقال مییابد. ما برآنیم که سیاست درازمدت دولت باید متوجه تقلیل صادرات نفت خام و استفاده از آن در داخل کشور بپایه ماده خام تعدیه کننده صنایع تولید فرآورده های نفتی و پتروشیمی گردد.

صنایع پتروشیمی یکی از رشته های عمده صنایع سنگین را تشکیل میدهند و در گذار به سطح عالی رشد صنعتی و اقتصادی نقش قاطع دارند.

از نفت و گاز باید در ایجاد صنایع زیرین بهره برداری شود: صنایع داروسازی (برای تولید الکل، نشادر، آمپورین، مواد معطر، کلروفرم، تورمالین)، صنایع ساختمانی (تولید شیشه ارگانیک، پوشش شیشه ای، تخته های مصنوعی کف اتاق، انواع شمع فرشی، لوله، مواد عایق، مواد روکش وغیره)، صنایع کفشی و چرم سازی (تولید رنگ و لاک، مواد دباغی، چرم مصنوعی)، صنایع شیمیائی (تولید مواد پلاستیک، الیاف شیمیائی، کاتوچوی مصنوعی، انواع رنگها، الکل اتیل، آمونیاک، مواد نسج کننده و حلال)، صنایع ریسندهی و بافندگی (نخ مصنوعی، پوست مصنوعی، مواد شستشو، چسب)، صنایع مول سازی و غیره.

علاوه بر این، با افزایش ظرفیت صنایع ذوب آهن، امکانات نوینی برای گسترش شیمیایی بوجود می آید. برای نمونه می توان از محصولات فرعی صنایع کک سازی جنب مجتمع ذوب آهن، مانند بنتول و قطران زغال سنگ نامبرد. پوشیده نیست که از قطران زغال سنگ، که حاوی ۳۰۰ نوع ماده آلی است، میتوان صدها نوع محصول (حشره کش، مواد معطر، دارو، روکش الکترود، قیر و نفتالین، پشم شیشه و غیره) تولید کرد. بنتول بمشابه ماده خام پر ارزش صنایع شیمیائی مورد تقاضای مستمر بازار جهانی است که میتوان در داخل کشور از آن بهره برداری کرد. از تصفیه بنتول سه ماده اولیه بنتول، تولوئن و زایلول بدست می آید، که میتوان از آن در تصفیه روغن موتور استفاده کرد. در همین حال دیگر مشتقات بنتول می توانند در تولید انواع فیبرها، مواد عایق ساختمانی و غیره مورد بهره برداری قرار گیرند. بدین منظور ایجاد و گسترش صنایع پلی استیرین و پلی اتیلن، که مورد نیاز کشور است و ضرورت دارد، باید خاطر نشان ساخت که در این صنایع، نفت و گاز نیز بپایه مواد اولیه مورد استفاده قرار میگیرند.

تولید صنایع برق

برق رسانی یا الکتریکی کردن، یکی از مسائل عمده در شرایط

حل برخی مسائل مبرم اقتصادی

کنونی بشمار میرود. در زمینه افزایش تولید انرژی برق، برنامه دراز مدت میباید با استفاده از منابع داخلی، بویژه گاز، ساختمان نیروگاه های حرارتی را تسریع و برنامه سه دهه ملی احداث نیروگاه های آتمی را که جز وابستگی عمیق به جهان امپریالیستی نتیجه ای نخواهد داشت، ملغی سازد.

چنین است رؤس و اصول کلی سیاست صنعتی مطلوب، که در قالب آن، آنچنان صنایع بنیادی و غیربنیادی بوجود خواهد آمد که پاسخگو و برآورنده نیازهای صنعتی و فرهنگی و اجتماعی کشور باشد. رشته های صنایع بنیادی پیشرفته می توانند از طریق همپوندی عمودی در کشور ما ایجاد گردند. در حال حاضر مادنفت، گاز، مس، سنگ آهن، سرب، روی، کرومیت، منگنز، زغال سنگ و غیره به میزان قابل توجهی در ایران کشف شده است. تردیدی نیست که با گسترش عملیات اکتشافی در سراسر ایران میتوان به منابع جدید شناخته نشده برای تغذیه صنایع دست یافت.

با ایجاد تدریجی این صنایع ما خواهیم توانست، در درازمدت، دگرگونی عمیق در صنعت و ساختار صنعتی و با مال اقتصاد ملی بوجود آوریم و حجم تولید و تنوع کالاها را تابع مصرف و تولید داخلی سازیم.

سیاست صنعتی پیشرفته ای ارتباط مستقیم با یکی از مسائل حیاتی - تامین شرایط تدریجی استغنائی تکنولوژیک، یعنی ایجاد تکنولوژی ملی - دارد. بدون ایجاد تکنولوژی ملی، ما نه تنها با مشکلات مداوم و مستمر روبرو خواهیم شد، بلکه برای همیشه واردکننده تکنولوژی و استفاده کننده از پیشرفت های کارشناسان خارجی باقی خواهیم ماند، که این نیز خواه ناخواه منجر به تعمیق وابستگی خواهد شد. به همین سبب رؤس و اصول سیاست صنعتی شدن باید چنان بواقع اجرا گذارده شود که توأم با مسئله حیاتی شناخت تکنولوژیک و مشارکت کارشناسان ایرانی در مطالعات فنی و اقتصادی و طراحی صنایع گردد. برای رسیدن به این هدف باید هر موسسه صنعتی بزرگ را، همگام با روند تولید، به موسسه پژوهشی و فراگیری تکنولوژی وارداتی و همچنین طراحی فنی بمنظور بی نیازی تدریجی به تکنولوژی مشابه تبدیل کرد. در چنین صورتی، تکنولوژی وارداتی وسیله ای برای ایجاد تکنولوژی ملی خواهد بود. هدف سارست از وارد کردن عناصر نوین در تکنولوژی وارداتی منطبق با شرایط کشور و ایجاد تکنولوژی ملی. در این مرحله ما خود مختار این و یا آن تکنولوژی نیستیم، ولی امکان آنرا خواهیم داشت که از خرید مداوم لیسانس خارجی خودداری کنیم.

ایجاد تکنولوژی ملی با درجه رشد زیربنای علمی و فنی، وجود کادر و نیروی کما رماهر رابطه مستقیم دارد، زیرا این کارشناسان و مهندسان و کارگران ماهر هستند که با استفاده از امکانات زیربنای فنی، ثوری را از مرحله فکر به مرحله طرح و ساخت و تولید می رسانند. لذا برنامه صنعتی شدن الزاما باید با تغییر بنیادی نظام آموزشی مرتبط و تنظیم گردد.

با در نظر گرفتن اینکه ایجاد زیربنای علمی و فنی یکی از وظایف اساسی دولت جمهوری اسلامی بشمار میرود، پیشنهاد میشود: ۱ - دائره ای بنام «دائرة بسط علوم و پژوهش» در جنب نخست وزیری تشکیل گردد، که یکی از وظایف آن نظارت بر تشکیل و بسط فعالیت های علمی و پژوهشی کشور خواهد بود.

۲ - این دائره شرایط ضرور تشکیل سازمانی را که بتواند کلیه فعالیت های علمی و پژوهشی را در خود متمرکز سازد، فراهم می آورد. این سازمان بطور مشروط میتواند «سازمان دولتی مرکزی فعالیت های علمی و پژوهشی کشور» و یا «آکادمی علوم جمهوری اسلامی ایران» نامگذاری شود.

۳ - «آکادمی علوم جمهوری اسلامی ایران» جزء موسسات غیر انتفاعی محسوب و بر اساس بودجه دولتی اداره خواهد شد.

۴ - وظایف «آکادمی علوم جمهوری اسلامی ایران»: الف - مطالعات لازم جهت تدوین سیاست علمی و پژوهشی کشور با توجه به امکانات و اولویت برنامه های آموزشی، علمی و پژوهشی آینده کشور.

ب - ایجاد تدریجی مراکز بررسی های علمی و فنی، مراکز نوآوری صنعتی در رشته های مختلف علمی و فنی بر حسب نیازمندیها و امکانات کشور.

ج - از آنجا که بدون دستیابی به انبوهی از اطلاعات علمی و فنی نیل به مرحله پژوهش، طراحی، استغنائی تکنولوژی و کسب پیشرفت علمی و فنی مقدور نیست، تشکیل موسسه ای در جنب آکادمی علوم برای جمع آوری اطلاعات و مدارک و غیره در رشته های علوم اجتماعی و اقتصادی، فنی و بهداشتی ضرورت حاد دارد.

د - آکادمی علوم موظف به ایجاد سازمان تبلیغات علمی جنبی برای تبلیغ و ترویج توده ای آخرین دستاوردهای اختراعات علمی و فنی و تکنولوژیک جهان در سطح دانشگاهها، موسسات علمی و درمیان انبوه زحماتشان از طریق ترتیب کنفرانسها، نمایش فیلمها، توزیع اسلاید و غیره است.

ه - جلب کلیه کارشناسان ایرانی از کلیه نقاط کشور و خارج و ایجاد محیط سالم و خلاق برای آنکه آنها بتوانند همه نیروی خود را صرف پژوهش و نوآوری کنند.

برنامه درازمدت و صنایع کوچک

در حال حاضر ارزش افزوده تولیدات صنایع کوچک ۳۱ درصد از کل ارزش افزوده بخش صنعتی غیر نفتی را بخود اختصاص میدهد. بطوری که مشاهده میشود، صنایع کوچک هنوز سهم کم و بیش محسوسی در عرصه تولید دارند و لذا برنامه درازمدت دولت جمهوری اسلامی نمیتواند این بخش را در نظر نگیرد.

چه عواملی سبب بوجود آمدن این صنایع در کشور میگردد؟ انگیزه تامین زندگی شخصی از طریق سرمایه گذاری در تولید ازسویی و فقدان سرمایه مکنفی از سوی دیگر گروه کثیری را به سوی تولید کوچک می راند و هم آنها هستند که بخشی از کالاهای مصرفی جمعیت کم درآمد کشور را، که قادر به خرید اجناس گرانقیمت نیستند، تولید میکنند. از آنجا که کمبود نیروی انسانی ماهر، نارسایی های زیربنایی، پراکندگی شهرها و روستاها و ضعف ارتباط اقتصادی بین آنها، مشکلات تامین مواد اولیه و غیره عرصه فعالیت تولید انبوه کالایی و ایجاد موسسات بزرگ صنعتی را در سراسر کشور محدود می سازد، سادگی و در خیلی موارد بدوی بودن کارگاههای کوچک بمنزله آنها مبدل میشود. به همین علت است که تعداد موسسات کوچک در تولید و بریزونی گذاشته است.

برنامه درازمدت دولت باید موارد زیرین را در مورد صنایع کوچک مد نظر قرار دهد:

- تشکیل صنایع کوچک خویشاوند (از لحاظ نوع کالا) در تعاونی های تولیدی،
- ایجاد تعاونی های تامین مواد خام و کمک دولتی در این زمینه،
- ایجاد تعاونی های توزیع محصولات کارگاههای کوچک،
- ایجاد تعاونی های اعتباری،
- ایجاد ارتباط بین صنایع بزرگ و صنایع کوچک؛ صنایع

کوچک در مواردی برآوند هم برخی یکپارگی مورد نیاز صنایع بزرگ را تولید کنند و هم در تولید برخی از ابزار تولید رشته های صنعتی نقش موثری ایفا کنند.

- تامین صنایع کوچک با وسائل تولید پیشرفته بقصد بهبود کیفیت کالاهای تولیدی در این موسسات،

- تابع ساختن تولید کوچک به برنامه اقتصادی از طریق تعاونی های تولید و توزیع.

صنایع دستی

صنایع دستی پدیده ایست روستائی، که اکنون به مقیاس وسیع به شهرها نیز رسوخ یافته است.

هم اکنون تعداد کثیری از صنعتگران و هنرمندان خلقی از این راه امرار معاش میکنند. با در نظر گرفتن اینکه صنعت مزبور در عین معرفی هنر و ذوق ایرانی میتواند یکی از اقلام صادراتی سودآور تبدیل گردد، برنامه درازمدت باید رشد همه جانبه آنرا تامین کند. تدابیر دولتی بطور عمده باید موارد زیرین را در برگیرد:

- ایجاد تعاونی ها در صنایع دستی و واگذاری اداره امور آنها به خود تولیدکنندگان،
- کمک اعتباری به این گروه از صنایع،
- خریداری محصولات تولید شده،
- پایان دادن به فعالیت دلالان و واسطه ها در این صنایع.

۲- برنامه کوتاه مدت صنعتی

براه انداختن چرخهای صنعتی در گرو حل سه مسئله اساسی است: تعیین مدیریت، تامین موسسات با مواد خام، نیم ساخته و قطعات متفرقه و یکپارگی مورد نیاز، تامین بازار فروش.

۱ - گام نخست، که تاکنون بدان کم بهاء داده شده، تعیین مدیریت موسسات صنعتی با توجه به کاردانی و پیشرفت فنی و اقتصادی و قابلیت سازماندهی است.

۲- در زمینه تامین مواد اولیه، نیم ساخته و قطعات یدکی اتخاذ تدابیر زیرین ضرور است:

- تجدید نظر در محصول نهائی صنایع ذوب فلزات و بهره برداری از ظرفیتهای کامل واحدهای ریخته گری و آهن گری موجود (در حال حاضر ظرفیت آنها به ۲۰۰ هزار تن میرسد). این صنایع قبل از انقلاب کلا در خدمت مقاطعه کاران «ب ساز» و فروش قرار داشت. حال آنکه صنایع مزبور بطور عمده باید برای تغذیه صنایع ماشین سازی بکار گرفته شوند.

- سازمان دادن تولید پاره ای از یکپارگی و قطعات در کارخانه های ماشین سازی موجود دولتی و کارگاه های کوچک.

- تجدید نظر در برنامه های تولیدی موسسات ماشین سازی، بمنظور تولید ماشین آلات مورد احتیاج در حال حاضر و تبدیل کارگاههای مونتاژ جنب کارخانه های ماشین سازی به موسسات ساخت بر اساس لیسانسها و طرحهای سرمایه گذاری شده و با استفاده از ظرفیت کامل صنایع ریخته گری و آهن گری موجود.

- تجهیز کارگاههای مونتاژ با ماشین آلات و ابزارهای ساخت ایران (که اکنون در انبارها انباشته است) برای تولید قطعات و یکپارگی صنایع ریستدگی و بافندگی، چیت سازی، چرم سازی، صنایع و تجهیزات وسائل فلزی، که بطور عمده دچار کمبود لازم یکدی هستند.

- تسریع در بازسازی کارخانه تراکتور سازی تبریز، که بیش از ۲۵ میلیارد ریال در سرمایه گذاری بدان اختصاص داده شده و میتواند سالانه ۲۰ هزار تراکتور و ۳۰ هزار موتور تولید کند.

- استفاده از ظرفیت کامل واحدهای تولیدی.

ملی کردن صنایع متعلق به سرمایه داران وابسته به بخش دولتی امکان تجدید نظر در قراردادهای تمیمی گذشته را، از طریق استفاده از امکانات کشورهای هند امپریالیستی جهان فراهم آورده است. در این زمینه میتوان بویژه از امکانات کشورهای سوسیالیستی و برخی کشورهای «جهان سوم» استفاده کرد. بسیاری از این کشورها میتوانند در مرحله کنونی، هم دربراه انداختن چرخهای صنعتی کشور و هم از نظر بازار فروش، امکانات مناسبی رادراختیار ما بگذارند. باید گوئید که با همکاری این کشورها وابستگی ژرف کنونی را به دول امپریالیستی محدود ساخت.

سهمترین مسئله در حال حاضر، ایجاد همپوندی افقی بین صنایع کشور است. در گذشته، در نتیجه خیانت رژیم شاه مخلوع، صنایع ایجاد شده هر یک جداگانه ارتباط با خارج داشتند و کلیه قطعات و یکپارگی مورد نیاز را ببلواسطه وارد میکردند. با ایجاد ارتباط بین صنایع بخش دولتی و خصوصی، ما خواهیم توانست بخش نسبتا قابل ملاحظه ای از این قطعات را در داخل تولید کنیم.

برنامه کشاورزی

ساختار تولید کشاورزی تاثیر زیادی در گوناگونی ترکیب اقتصاد ملی دارد و به همین علت یکی از عوامل موثر رشد اقتصادی است. منظور از ساختار تولید کشاورزی ترکیب رشته های آنست که درآمارهای ایران «اجزاء گروه کشاورزی» نامیده میشود.

ساختار تولید کشاورزی که باید در برنامه ریزی کشاورزی مورد توجه قرار گیرد، تابع دو عامل اساسی است:

- عامل طبیعی،
 - عامل اقتصادی و اجتماعی.
- عامل طبیعی، شرایط جوی و زمینی و غیره و عامل اقتصادی - اجتماعی، سیاست ارضی و کشاورزی دولت و همچنین ترکیب مصرف و تولیدات کشاورزی را در بر میگیرد. ایجاد تناسب لازم بین رشته های عمده تولید کشاورزی از طریق استفاده شریخی از زمین موجود و نیروی انسانی امکان پذیر میشود. طبیعی است که در زمین هر رشته ای، عوامل جداگانه دیگری هم موثر است که بطور حتم میباید مورد توجه قرار گیرد. مثلا در تولید زراعی فقط سطح زیر کشت نیست که نقش قاطع ایفا میکند، بلکه مسائلی از قبیل بهره دمی هر هکتار زمین، درجه مکانیزاسیون کشاورزی، مقدر کود مصرفی و غیره نیز اهمیت فراوانی دارد. در دامپروری هم بازده دام و گوشت و شیر، میزان چربی آن، نحوه تغذیه، مکانیزاسیون، اصلاح نژاد، تناسب میان دام شیرده و دام گوشتی و دام کوچک و بزرگ و غیره اهمیت دارد.

۱- برنامه درازمدت رشد کشاورزی

برنامه درازمدت، که هدف رشد تولید زراعی و دامی و با مال بهبود زندگی روستائیان و تامین مسارف کشاورزی همه اهالی است، باید نکات زیرین را مد نظر قرار دهد:

- افزایش مساحت زمینهای زیر کشت، از طریق زیر کشت گرفتن زمینهای بایر،

- ایجاد تناسب ضرور بین سطح زیر کشت و میزان تولید اجزاء مختلف محصولات زراعی (تولید موادغذائی و محصولات فنی زراعی)،

- استفاده شریخی از زمین زیر کشت و نیروی انسانی بقصد افزایش بازدهی تولید گیاهی از هر هکتار.

- ماشینی کردن تولید زراعی،

- استفاده معقول و فزاینده از کود شیمیائی و سموم کشاورزی،

- بهره گیری از روشهای علمی برای افزایش بازده دام و گوشت و شیر از راه گزینش بهترین روش تغذیه و اصلاح نژاد دام،

- ایجاد تناسب میان دام شیرده و دام گوشتی و دام کوچک و بزرگ،

- ایجاد سیستم آبیاری مدرن،

- پایان دادن به غیر اقتصادی بودن (از لحاظ زمین زیر کشت) اکثر واحدهای بهره برداری کشاورزی، از طریق گسترش شبکه تعاونی تولید در روستاها،

- ایجاد سیستم قیمت گذاری واحد تولید محصولات کشاورزی،

- ایجاد سازمانهای فروش و مصرف تولید کشاورزی،

- عمران و بازسازی روستاها و ایجاد سیستم ارتباطی بین روستاها،

- کاهش اختلاف عمیق درآمدها بین شهر و روستا،

- تامین آب آشامیدنی، بهداشت، سوخت و برق برای کلیه روستاها،

- ایجاد مدارس، بویژه مدارس حرفه ای بمنظور تبلیغ تربیت کارگران متخصص ماهر و تکنیسین های کشاورزی،

- با سواد کردن توده انبوه دهقانی،

- احداث شبکه وسیع درمانگاهها،

- ساختن مسکن متناسب با شرایط اقلیمی و طبق نقشه بادر نظر گرفتن فرهنگ و ستن روستائیان هر محل،

- تامین بیمه اجتماعی کشاورزان و بیمه همگانی ناشی از خشکسالی و سیل،

- ایجاد شرکت های تعاونی که تحت اداره مستقیم خود کشاورزان و همکاری آنان بوجود می آیند، با بهره گیری از کمک های همه جانبه دولت و بایکار بستن شیوه های معاصر کشت و زرع و برداشت و دامپروری، که میتواند بعد مطلوب کارائی نا امل آید. فقط در چنین صورتی تعاونی قادر خواهند بود تحول عمیق در ساختار کشاورزی بوجود آورند، امکان افزایش کمی و کیفی تولیدات کشاورزی و بالارفتن درآمد ملی و توسعه حجم بازار داخلی و بیرون شرایط زندگی اکثریت مطلق روستائیان را فراهم کنند و نقش سهمی در ایجاد مناسبات تولیدی نوین و مترقی ایفا نمایند.

- ایجاد مساعی و استفاده از آب ایران، قنوت و احیاء آنها،

- زدن چاه های عمیق و نیمه عمیق و بوجود آوردن مراکز خدمات فنی، موسسات سمپاشی برای مبارزه با آفات نباتی، احداث صنایع در مراکز عمده روستائی، ایجاد کارگاهها، واحدهای بسته بندی گوشت، سردخانه ها، کارگاههای شیر پاستوریزه و لبنیات، واحدهای شستشو و بسته بندی سبزیجات و میوه و سیلو و انبارهای محصولات کشاورزی، موسسات پژوهشی کشاورزی (برای شناسائی بیماریها و آفات محلی و پی کاوی طرق جلوگیری از بروز و شیوع آنها، اصلاح و تکثیر بذر و نباتات از طریق پیوند آنها برای بدست آوردن بذرهای نباتات مقاوم و پرمحصول بر حسب شرایط منطقه ای، اصلاح نژاد دام و طیور بر پایه شناخت نژادهای اصیل و مقاوم کشور، تعیین کاربرد کود، آب، سموم و غیره)، تجدید نظر در نظام آموزشی کشاورزی و ایجاد شبکه وسیع آموزش عالی و فنی و احداث موسسات دیگر (شعب بانک کشاورزی، پست و تلگراف و تلفن و غیره) از جمله مسائلی است که باید مورد توجه برنامه درازمدت باشد.

۲- برنامه کوتاه مدت کشاورزی

این برنامه قبل از هر چیز میباید با حل ریشه ای مسئله ارضی، از طریق واگذاری زمین و وسائل کشت به دهقانان کم زمین و بی زمین آغاز گردد، زیرا بدون حل این معضل، پایان دادن بوضع استغنائی توده های دهقانی و ایجاد تحول بنیادی در ساختار تولید کشاورزی به نفع زحمتکشان ناممکن خواهد بود. بنظر ما علاوه بر حل مسئله ارضی اتخاذ تدابیر عاجل زیرین در کوتاه مدت ضرور است:

- واگذاری بهره برداری از واحدهای مکانیزه بصورت تعاونی به کارگران کشاورزی شاغل در اراضی مزبور؛ این تعاونیها با حفظ یالکیت دولتی بشکل خودگردانی اداره خواهند شد.

- واگذاری بهره برداری از واحدهای بزرگ باغات و قلمستانها، با حفظ مالکیت دولتی، بصورت تعاونی به دهقانان شاغل در این اراضی،

- اداره امور واحدهای کشت و صنعت در اختیار دولت باقی میماند و بشکل واحد تولیدی کشاورزی دولتی تحت نظر اداره کشاورزی محل اداره میشود.

- تبدیل زمینهای مصادره شده، با نظارت بنیاد مستضعفین، به واحدهای تعاونی خودگردان؛ مالکیت این زمینها از آن دولت و استفاده از آن در اختیار زحمتکشان است.

- القای کلیه قوانین ضد دهقانی،

- حل مشکل بددی دهقانان تبیدست، از طریق القاء واسطائی که با بهره زیاد، چه از طرف موسسات اعتباری و چه بوسیله سلف خرها و دلایها و نزول خواران به آنها تحمیل شده است.

- واگذاری اعتبارات برای اجرای برنامه های کنترل شده از طریق شوراهای ده به دهقانان، در عین توجه به نیازهای روزانه آنها،

- تجدید نظر در سازمان وزارت کشاورزی بمنظور تامین مدیریت علمی، نحوه تقسیم بودجه بین اجزاء تولید کشاورزی بر حسب اهمیت؛ تامین نظارت بر کشت و کار روستائیان و ایجاد همکاری نزدیک بین وزارتخانه های که ارتباط مستقیم با اقتصاد کشاورزی دارند.

- گوشش در راه بهره برداری مشترک صاحبان مزارع کوچک به قصد ایجاد شرایط استفاده بهتر از زمینهای زیر کشت، افزایش بهره دمی آنها، تسهیل مراحل کشت و برداشت،

- ایجاد مراکز اجاره، تعمیر و سرویس ماشین آلات و ابزار کشاورزی،

- سازمان دادن توزیع کود و سموم مبارزه با آفات نباتی، تامین روستائیان با بذر مرغوب،

- تامین آب،

- تضمین حداقل قیمت خرید محصولات عمده زراعی،

- احداث راههای فرعی روستائی،

- تشکیل هر چه زودتر شوراهای ده با شرکت فعال دهقانان،

- تجدید نظر در مقررات مرتع داری بسود دامداران.

ما در اینجا دو مورد مشخص صنایع و کشاورزی را، که نقش تعیین کننده در رونق اقتصاد ملی دارد، مورد بررسی قرار دادیم. بدون تردید برنامه درازمدت، دیگر بخشهای اقتصادی و از آن جمله ساختمان و خدمات دیگر رانیز در بر میگیرد.

سرمایه گذاری در زیر ساخت (انفراستراکتور) مقام ویژه ای در رشد اقتصادی دارد. در این زمینه بخصوص مسائلی چون ساختمان راههای شومه و اسفالت و راه آهن بین مراکز صنعتی و همچنین مراکز عمده صنعتی و بنادر، احداث راههای شومه بین شهرها و مراکز روستائی و راههای فرعی بین روستاها نقش بسزائی دارد.

برنامه درازمدت برای اجرای طرحهای جامع رشد شهرها و مشخص ساختن شواهد ساختمانی در هر منطقه، بقصد جلوگیری از توسعه ناهنجار و بدون نقشه شهرها و در نظر گرفتن امکانات تامین آب و برق و دیگر موسسات شهری، از جمله وظایفی است که از هم اکنون میباید مورد توجه قرار گیرد.

پاکسازی سریع وقاطع کمیته‌هایک وظیفه مبرم انقلابی است

کمیته‌های انقلاب، ارگانهای پرآمده از انقلابند و در طول ۱۱ ماهی که از انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و خلقی ما میگذرد، سهم بسزایی در حفظ انقلاب از توطئه‌های نیروهای ضدانقلاب، دستگیری و مجازات خائبن و جانان داشته‌اند. این واقعیت را کمیته‌ها مرسوم ماهیت خلقی خود بوده‌اند زیرا ترکیب اصلی آنان را همان جوانانی تشکیل میداده‌اند که در روزهای انقلاب سینه بسرگول‌های دشمن میکشاندند و سرانجام در روزهای بهمین ماه، سلاح بدست پایگاههای دشمن را درهم کوبیدند. درست بهمین دلیل هم کمیته‌ها از روز اول انقلاب یکی از آماج‌های توطئه‌های امپریالیسم آمریکا بوده‌اند.

کمیته‌های انقلاب دست به تحریکات زدند. آنها با فرستادن عمال خود به درون کمیته‌ها و آلوده ساختن آنها، کوشیدند تا کمیته‌ها را از انجام وظایف اصلی خود منحرف سازند و بجای مبارزه در راه حقوق زحمتکشان و ترقیب و مجازات مجرمین، آنها را به ایجاد تحریکات علیه نیروهای انقلابی و ایجاد تفرقه در میان مردم وادارند. این امر به حیثیت کمیته‌ها و در نتیجه رهبری انقلاب در میان مردم لطمه میزند و آنها را نسبت به انقلاب لازم به تذکر است که هر قدر نفوذ عناصر ضدانقلاب، مزدوران ساواک، عناصر فاسد، سرمایه‌داران و فئودالها در کمیته‌ها بیشتر می‌شود، در نتیجه از محتوی خلقی و انقلابی کمیته‌ها منکاست، نیروهای صادق و مردمی درون خود کمیته‌ها نیز بواسطه عدم رسیدگی جدی مسئولان به کمیته‌ها و فسادگسترده در برخی کمیته‌ها، یا دلسردی و سرخوردگی، خود را به کنار میکشند و به نتیجه از محتوی انقلابی این گروه کمیته‌ها پیش ازین کاسته میگردد.

سورت پذیرفت و صورت می‌پذیرد، تاجایی که در برخی نقاط، چون اصفهان، تلاش‌های انقلاب برای آلودن کمیته‌ها، نتایج تاسف‌انگیز خود را بار آورد و بناچار اعتراض همگانی مردم را برانگیخت.

در اصفهان، کمیته‌های این شهر از روز نخست با نفوذ سراسری عناصر ضدانقلابی مواجه شدند، بطوریکه پس از مدتی غالب کمیته‌های این شهر از دزدان، مفسدین، عناصر ساواک و ضدانقلاب اشباع گردیدند و خشم بحق مردم را برانگیختند. طبق افشاکرئی دانشجویان پیر و خط‌امام، حتی کمیته مرکزی این شهر، جمشید ایسران بود، جاسوس دسیه را، با علم به مجرم بودن او، به استخدام در آورده بوده است!

حجت الاسلام امید در رأس عالیترین ارگان انقلابی کشور قرار دادند، بجای پشتیبانی از خواست توده‌های انقلابی مردم اصفهان و دادگاه انقلاب اسلامی این شهر، پس از اعداد بجای میراشرفی، حجت الاسلام امید را از کار برکنار نمودند.

این اقدام ضد مردمی، بلافاصله با امواج خروشان پشتیبانی مردم اصفهان از حجت الاسلام امید و خواست انحلال کمیته‌های انقلاب اصفهان، که در واقع لانه ضدانقلاب گشته‌اند، مواجه شد و اعضای دادگاه انقلاب اسلامی و دادرسی انقلاب اسلامی همراه با نمایندگان دهها نهاد انقلابی اصفهان، در استناداری اصفهان تصحیح اختیار کردند و خواستار بازگشت حجت الاسلام امید و انحلال کمیته‌های شهر شدند. حجت الاسلام امید در مصاحبه‌ای تأکید کرد که امام نیز بسا انحلال کمیته‌ها موافقت.

کمیته‌های انقلاب یکی از بازوهای رهبری انقلابند. اعمال و اقدامات آنها نه فقط باید بیانگر انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و خلقی کشور ما باشد، بلکه همچنین باید به احترام و حیثیت رهبری انقلاب و «خط‌امام» پیوسته و مردم را به انقلاب جلب کند.

امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن در دست به همین دلایل، با کینه و نفرتی بسی‌پایان، علیه

کمیته‌های انقلاب یکی از بازوهای رهبری انقلابند. اعمال و اقدامات آنها نه فقط باید بیانگر انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و خلقی کشور ما باشد، بلکه همچنین باید به احترام و حیثیت رهبری انقلاب و «خط‌امام» پیوسته و مردم را به انقلاب جلب کند.

امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن در دست به همین دلایل، با کینه و نفرتی بسی‌پایان، علیه

اعتراض مردم تا آنجا بالا گرفت که کمیته‌ها به خرابکاری و کارشکنی مستقیم در اقدامات انقلابی حجت الاسلام امید، کادر مجازات جنایتکاران از جمله حبیب‌اشرفی، مدیر عامل شیرخورشید سرخ اصفهان و میراشرفی، جنایتکار و سرمایه‌دار غارتگر این شهر، قسطنطین انقلابی شایان تصحیحی از خود نشان داده بود، پرداختند و حتی چندین از مجرمین احکام دادگاه انقلاب را خودسرانه دستگیر کردند.

دستهای مرموز دیگری نیز، که طبق گفته

راه‌پیمایی‌های پر شور و مکرر مردم اصفهان در روزهای ۲۲ و ۲۶ آذر ماه، و سپس در روز ۵ دیماه، بیانگر پشتیبانی قاطع مردم از اقدامات مردمی دادگاه انقلاب و تأکید مسرانه آنان به انحلال کمیته‌های آلوده اصفهان است.

در اوائل دیماه، اعضای شورای کمیته لجان اصفهان نیز با اعتراض به آلودگی شدید

در مطبوعات کشور

تقاضای دانشجویان مسلمان دانشگاه ملی: محاکمه علنی امیر انتظام

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه ملی طی اطلاعیه‌ای خواستار محاکمه علنی امیر انتظام و همکارانش در جهت کشف روابط و شبکه‌های سیا و ساواک شد. در این اطلاعیه آمده است: افشای روابط امیر انتظام معاون نخست وزیر و سخنگوی اولین دولت بعد از انقلاب خونین خلق با آمریکا و سیاد برطن خود بی‌انگیز جریانی است هدایت شده از طرف آمریکا که هدفی جز به انحراف کشتاندن انقلاب و تسلط محدود امپریالیسم در شکلی دیگر بر نداشتن است. جریانی که از طریق حاکمیت و نفوذ ارتجاع و امپریالیسم این جادو صاف کتان واقعی امپریالیسم چندگامی نیز به پیش برداشت، آری امیر انتظام سبیل و تجلی عینی این جریان و پیشرفت زهر آگین آن در بطن انقلاب خلق میباشد چرا که بی‌شک نه اولین نفر و نه آخرین نفر از این سلسله زنجیر انارت‌زا خواهد بود.

در پایان اطلاعیه گفته شده است: پارودیگر به خلق قهرمانان که از هم اکنون سرور دهائی و پیروزی را بر سلاطین استوار کرده است نویسمی دهیم که سبیل خروشان ضد امپریالیستی آنها تمامی زالو ست‌های سیا و سرمایه‌داری وابسته و سازشکاران لیبرالسم و ارتجاعیون فرست طلب چون کف به کناری خواهد زد.

(اطلاعات، ۱۰ دی)

افشای آن فرایندی که امیر انتظام‌ها را به پست معاونت و صدارت می‌رساند، مهم است

اگرچه مهم است که بدانیم آقای امیر انتظام جاسوس مستقیم آمریکا سپا بوده است و یا نه و چرا و چگونه آقای مهندس بازرگان که در مسلمانان شکی نیست از ایشان در گذشته دفاع کرده‌اند و هنوز هم می‌کنند، ولسی از اینها مهمتر آنستکه خلق دریا بند آن فرایندی که امیر انتظام‌ها را به پست معاونت و صدارت می‌رساند، و جریانی تکرری ایشان را حاکم بر جو انقلابی ایران می‌نماید در جهت سدرشد و شکوفائی این انقلاب بکار می‌اندازد، دارای چه مشخصات و اجزائی است. این فرایند در تمامیت خود از کسدامین آتشخورد سیرات میگردد. طبیعتی است در توضیح

حمایت دولت انقلابی افغانستان از انقلاب ضد امپریالیستی ایران

کرم‌ل حمایت خود را از موضع ناسیونالیستی، اسلامی، ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی ایران اعلام کرد. او همچنین خواستار رفع اختلافات افغانستان با پاکستان و توسعه و تقویت روابط با هند و دوستی عادی با چین شد.

کرم‌ل همچنین گفت که لث جدید، سوسیالیسم راه‌نوردی خود نمیداند، اما مایل است که مبنای ترقی سیاسی و اجتماعی افغانستان را محکم کند.

او گفت که دولت او علیه فقر، بیماری و عقب ماندگی مبارزه میکند و مایل است که بیک اقتصاد مستقل و صنعتی را در این کشور برقرار کند.

کرم‌ل گفت که سیاست خارجی افغانستان مبتنی بر اصول بی‌طرفی مثبت و فعال همزیستی مسالمت آمیز و صلح و تشنج‌زدایی، خلع سلاح عمومی و مبارزه آزادی بخش ملی خلق‌های مورد ظلم استوار است. در همین احوال دولت کرم‌ل در روز غنوعومی زندانیان سیاسی را اعلام کرد و ۸۰۰ زندانی سیاسی، از جمله عنده کتیری از افسران که در دوران زمامداری حفیظ‌الله امین زندانی شده بودند آزاد شدند.

(اطلاعات، ۱۰ دی)

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رفسنجان: زمین متعلق به کسی است که با کار خویش آنرا آباد و بارور کرده

انقلاب اسلامی ایران امید حرمان کشیدگان و مستضعفین است، چرا که تجلی ارزشهای والای انسانی و حاکمیت اداره خویش را بر سر نوشت و عمره کار خود در تحقق آرمانهای این انقلاب دیده‌اند توده‌های محرومی که محیثیت انسانیشان در نظام پوسیده شاهنشاهی پایمال مناسبات و روابط ضد اسلامی مبتنی بر بهره‌کشی و استثمار سرمایه‌داران و فئودالها بود اکنون انقلاب اسلامی راحامی خویش یافته‌اند و بدان دل بسته‌اند.

اقدامات و بر نامه‌های استاد رضا اصفهانی در زمینه تغییر مناسبات ارضی و سلب مالکیت از مالکین بزرگ و فئودالها به نفع کشاورزان و دهقانان یعنی مالکین اصلی زمین که گامی است در جهت تحقق وعیثیت بخشیدن به آمال مستضعفین و ارزشهای اسلامی، مورد حمایت و تأیید کامل ما بوده و به وسیله آمادگی خویش را برای اجرای طرحها و بر نامه‌های انقلابی وزارت کشاورزی اعلام نموده و نیز آماده برخورد قاطع با سرمایه‌داران و فئودالها که ایادی رهمرم‌های امپریالیسم می‌باشد، هستیم و به مسلمانان متعهد و انقلابی در مورد استثمارگران زالومستی که در مخالفت با بر نامه‌های انقلابی استاد رضا اصفهانی گاه مناقفانه مساسک مذهب به چهره می‌زنند، هشدار میدهم.

(کپهان، ۱۰ دی)

به فرمان امام: سراسر ایران را مدرسه میکنیم

بی‌سوادی در جهان بیداد میکند. اگر طی قرن‌ها که جهان سوم در برابر نفوذ استثمارگران ختم شده است ناشی از بی‌سوادی ملت‌هاست و در این رهگذر بود که استثمارگران - این غارتگران ضد بشری سده‌های پیش‌پای‌ملتهای تحت‌ستم ایجاد کردند تا آنان را در ورطه ناآگاهی نگه‌دارند. هم‌اکنون سرت که رقم به سوادان در کشورهای جهان سوم (آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا) به مراتب بیشتر از بی‌سوادی و دقاره آمریکا و اروپاست، بگونه‌ای که هیچ‌گاه نمی‌توان قیاسی کرد. دیربست که

اگر آمریکا احساس میکرد که شوروی در کمین او نیست هیچگاه اینقدر انتظار نمی‌کشید!

اتحاد شوروی با فاهلیتهای آمریکا که هدفش برقراری مجدد فساد بر کلوی ایسران می‌باشد مخالف است. محافل سیاسی ایران می‌گویند چنانچه آمریکا احساس میکرد که شوروی در کمین او نیست، هیچگاه اینقدر انتظار نمی‌کشید. آمریکا به پنهانی میدانند که شوروی سال ۱۹۷۹، سوی شوروی خلیج خورگه‌ها در سال ۱۹۶۲ و هنگام محاصره کوبا است.

امروز، تاریخ بازم تکرار میشود، ولسی بصورت مکوس،

(اطلاعات، ۱۰ دی)



اطلاعات - اول دیماه ۱۳۵۸

دکتر باهنر: جمهوری اسلامی ایران در رفی سرمایه‌داری بزرگ و فئودالیسم پیش می‌رود

قلع وابستگی‌ها، قرض‌اندازها، قطع رابطه ریال با دلار مسئله کنترل نفت، صدور نفت و همچنین وابستگی‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و غیره‌ذک، ریشه‌هایی از این روابطی که قبلاً در رژیم گذشته بود و هنوز این روزها قطع نشده است تا قطع کامل آن ریشه‌ها و این وابستگی‌ها، باید کار زیاد انجام بدهیم. بنابر این در زمینه‌های اقتصادی، نظامی، قرض‌اندازها و غیره فره‌شورای انقلاب مشغول امپریالیست‌های جهان‌نخواه فرود اصلی‌مان که آن استقلال کامل و قطع نفوذ آمریکاست بریم.

باتکاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین

مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین

کارگران و زحمت‌کشان اهواز خواستار اقدامات قاطع انقلابی هستند

اهواز - خبرگزاری پارس - کارکنان شرکتهای ساختمانی ماناست تهران جنوب و قاستر ویلر بیمه‌انکارپه‌ای مجتمع فولاد اهواز در قایت اقدام شجاعانه دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام در محاکمه نمودن گروگانها و هیستکی با کارگران اتحادیه گسترش صنایع ایران پیش از ظهر روز چهارشنبه در اهواز دست بر اهیمائی زدن.

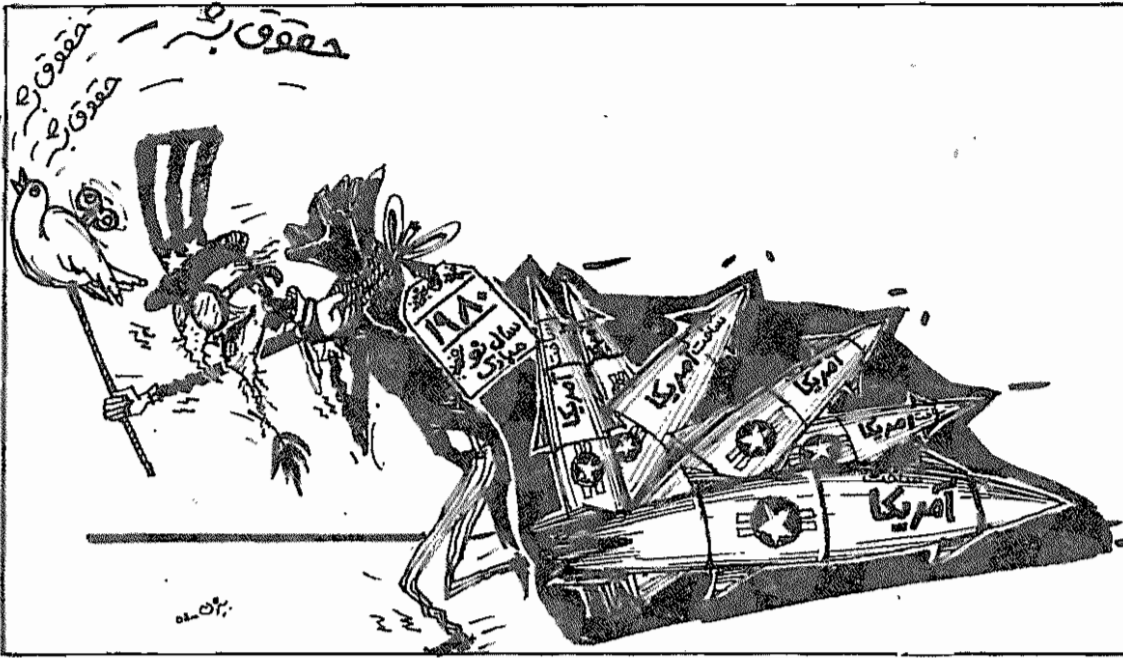
در قطع نامه راه‌پیمایان آمده است:

- ۱ - ما کارکنان شرکت مانا و ماشین سازی پارس و تهران جنوب از این قتلخه خوزستان ایران و جهان بشمام جهان‌خواران و ایادی شان هشدار میدهم که ما فرزند زنجیر و آماده شهادت در برابر آنها تا آخرین قطره خون.
- ۲ - ما خواستار قطع تمام وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و غیره از امپریالیسم جهان‌خوار بخصوص امریکاست.
- ۳ - ما خواستار محاکمه هر چه سریتتر جاسوسان امریکائی مستقر در لانه جاسوسی امریکا برای افشا شدن جنایات امریکا و نوکر سرسپرده‌اش شاه‌هستیم.
- ۴ - ما خواستار انشاء و الفاء کلیه قراردادهای ننگین بویژه قراردادهای نفتی هستیم.
- ۵ - تبدیل کلیه لانه‌های جاسوسی امریکا و امپریالیسم جهانی به موزه‌های جنایات امپریالیسم و موزه شهادت انقلاب.
- ۶ - تقویت دهقانان و کارگران از نظر امکانات برای پیشبرد کشاورزی و صنعت ایران بمنظور بر نیاز شدن مملکت از کشورهای استثمارگر.
- ۷ - همادده و ملی نمودن کلیه سرمایه امپریالیستی امریکا بنفع مستضعفین.
- ۸ - ستم‌ها را از دولت می‌خواهیم صنایع ملی شده‌ایکه متعلق بسرمایه‌داران وابسته‌فراری از کشور هستند مسؤلیت تولید و گسترش صنایع را مستقیماً زیر نظر کارگران از طریق شوراها اعاده نموده و امکانات لازم را در این زمینه میانمایند.
- ۹ - قاجوهری گونبه‌بره‌گیری فرد از فرد ما زحمتکشان بمبارازات خود ادامه خواهیم داد تا در پناه وحدت و هیستکی هر چه بیشتر مردم غیور و مبارز ایران به پیروزی نهائی برسیم.

(جمهوری اسلامی، ۸ دی)

موضع اتحاد شوروی در شورای امنیت

نقشه‌های آمریکا را برای «تنبیه» اقتصادی ایران نقش بر آب ساخت



امریالیسم آمریکا بموازات تدارکات جنگی و تهدید ایران بداخله نظامی، که همچنان ادامه دارد، تمام کوشش خود را بکار بست تا مردم ایران را، زیر فشار مالی و اقتصادی، وادار کند که از خواست پر حق خود در مورد استرداد شاه مخلوع صرف نظر نمایند. با امتناع آمریکا از خرید نفت ایران، مسدود کردن ذخایر ارزی ایران در بانکهای آمریکا و شعب آنها، فشار اقتصادی علیه ایران آغاز گردید.

از سوی دیگر امریالیسم آمریکا متفقین اروپائی خود در پیمان ناتو و ژاپن را بمنظور تبعیت از سیاست آمریکا در محاصره اقتصادی ایران، زیر فشار قرار داد. اما آمریکا موفق نگردید به اهداف مطلوب خود دست یابد. آخرین تلاش امریالیسم آمریکا در این زمینه در سازمان ملل متحد بود که میخواست از طریق این سازمان بین المللی، ایران را زیر فشار قرار دهد و اراده خود برای «تنبیه» اقتصادی ایران را به اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد تحویل نماید.

اما موضع اتحاد شوروی در شورای امنیت این آخرین نقشه آمریکا را برای محاصره اقتصاد ایران و اتخاذ تدابیری برای «تنبیه» اقتصادی علیه ایران نقش بر آب نمود.

این نخستین بار نیست که موضع قطع و اصولی اتحاد شوروی در پشتیبانی از انقلاب ایران - از جمله نقشه‌های امریالیسم آمریکا را

شوکت در بسیج همگانی علیه بیسوادی

بدنیال پیام امام خمینی در باره بسیج همگانی مردم، تا بسوادی از کشور ما ترشه کن شود، مطالب متعددی برای ما می رسد، منجمده برای «مردم» رونوشت نامه‌ای فرستاده شده است که در آن چنین میخوانیم:

در پاسبی به پیام مودت ۰۷-۱۳۵۸ امام، از این ساعت تمام امکانات سازمان - های آموزشی و کمک آموزشی «سپین» در خدمت تجهیز بزرگ برای ریشه زدن بی سوادی در ایران است. در نامه اعلام میشود که:

از صبح ۱۱ دی، از همه زنان و مردان و کودکان بی سوادی برای شرکت در کلاسهای سوادی آموزشی، در مراکز زیر نام نویسی می شود:

مردان، خیابان فلسطین شماره ۲۵۷
زنان، کوچه نعیم، شماره ۲۴
کودکان، کوچه قفاری، شماره ۲۰

از داوطلبان تدریس بی حقوق با سپردن تعهد به پایان رساندن دوره نیز دعوت به نام نویسی شده است. محل نام نویسی سازمان نشر اندیشه و فرهنگ سپین دخت - ساختمان ۳۵ خیابان آیت الله طالقانی و... تمام هزینه‌های تدارکاتی و تهیه مواد خواندنی با موسسه سپین است که اعلام میکند هر جای مناسب دیگری برای این خدمات از طرف شخص یا سازمانی دیگر - عرضه شود، کادر آموزشی سپین در تهران بلافاصله در هر سه تا آنها، از اول سال آتی، به آن محل اعزام خواهد شد.

در پایان نامه‌ای که به مردم رسیده، آمده است:

«ما از همکاری با هر سازمان مذهبی، سیاسی، صنفی و آموزشی دیگر، که شیوه‌های تدریس و مدیریت آموزشی ما را بپذیرد، استقبال میکنیم و راهنمایی‌ها و مساعدت‌های همه مومنان به این جهاد را غنیمت میشماریم.»

نیروهائی وجود دارند، که با اوج گیری مبارزات بر ضد امریالیسم آمریکا، که بدرستی و به موقع از جانب رهبری انقلاب، امام خمینی منبایه دشمن اصلی اعلام گردیده است، سازگار نیستند و بمنظور خاموش کردن شعله‌های مبارزات ضد امریکائی و انحراف سمت اصلی مبارزه بر ضد امریالیسم امریکا، تلاش دارند که سیاست

اوست، به تصویب تحریم اقتصادی وادار، یکی پس از دیگری نقش بر آب میکنند. برغم این واقعیات غیر قابل انکار، که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی همواره نسبت به انقلاب ایران حسن نیت داشته و پشتیبانی سیاسی و معنوی خود را نسبت به مردم و انقلاب ایران دریغ نداشته‌اند، متأسفانه ساخته و خواهد ساخت. در این زمینه حتی روزنامه جمهوری اسلامی (۱۱ دی) می نویسد:

«موضع شوروی در شورای امنیت سازمان ملل متحد، که به حل مسالمت آمیز اختلاف بین ایران و آمریکا استوار است، آمریکا را از امید به اینکه بتواند شوروی و دیگر کشورهای عضو شورای امنیت را با اکثریتی که مورد نظر

قطب نماة اجلاس مشترک احزاب و نیروهای ملی عراق برای ایجاد جبهه ملی و دمکراتیک

در اواسط دسامبر سال ۱۹۷۹ (اواخر آذرماه ۱۳۵۸)، نمایندگان احزاب و نیروهای میهنی عراق، جنبش سوسیالیستی عرب، حزب بعث سوسیالیست عرب (رهبری کشور عراق)، اتحادیه میهنی کردستان و حزب کمونیست عراق، سلسله جلساتی تشکیل دادند تا وضع داخلی عراق و کشورهای عربی و نتایج مذاکرات دو جانبه و جمعی (چهار جانبه) ای را که در گذشته بعمل آمده بود، بررسی کنند و جبهه ملی و دمکراتیک مرکب از احزاب، نیروها و شخصیت‌های میهن دوست، ملی و دمکرات عراق، جهت سرنگونی رژیم دیکتاتوری، تسریر و اختناق و استقرار حکومتی ملی و دمکراتیک، مرکب از نمایندگان این احزاب، نیروها و شخصیت‌های قابل اعتماد، تشکیل دهند. حکومتی که آثار خط مشی ضد میهنی و ضد انسانی دارد و رژیم دیکتاتوری را بزاید و کشور را از بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از اعمال خونین این داور دست برهاند و عراقی آزاد، دمکراتیک و مستقل، که در سایه آن خلق کرد به حقوق ملی خود یعنی خودمختاری واقعی نایل آید و در مبارزات ملل عرب علیه امریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع و توطئه - گریهای آنان که علیه مردم خاور میانه و بویژه علیه انقلاب شکوهمند ایران بعمل می آید، فعالانه شرکت نماید، بنا کنند.

اجلاس مذکور باین نتیجه انجامید که یک کمیته هماهنگی دائمی مرکب از نمایندگان احزاب و نیروهای چهارگانه تشکیل شود تا مبارزات این نیروها علیه رژیم عراق و عزم بر سرخس آنان را در وجود آوردن یک جبهه دمکراتیک ملی، که آرمان و آرزوی توده‌هاست، هماهنگ سازد.

جنبش سوسیالیستی عرب، حزب بعث سوسیالیست عرب (رهبری کشور عراق)، اتحادیه میهنی کردستان، حزب کمونیست عراق.

۲۶ دسامبر ۱۹۷۹

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد:

حزب توده ایران

از

خط امامی

پشتیبانی می کند

شکست توطئه ضد انقلاب علیه سفارت شوروی در تهران

تلاش نیروهای ضد انقلابی و عمال امریالیسم آمریکا عوامل مائوئیستهای پکن برای منحرف ساختن مبارزه ضد امریکائی توده‌های مردم، دیروز به اوج خود رسید، ولی خوشبختانه این تلاش با هشیاری انقلابی مردم، نمرودا و عقیم ماند.

از روز قبل تبلیغات وسیعی از جانب گروهکها و محافل مشکوک برای راه یمنائی بطرف سفارت شوروی آغاز شده بود، که متأسفانه برخی گروهها و احزاب که میباید حداقل احساس مسئولیت کنند. نیز بجای تأکید روی مبارزه علیه دشمن اصلی انقلاب ایران، یعنی امریالیسم آمریکا و همانند از تلاش ضد انقلاب برای منحرف کردن این مبارزه، با تأیید این تبلیغات، بدان دامن میزدند.

ولی با وجود تمام تبلیغات و تحریکات و تدارکات، دیروز تنها گروهی در حدود هزار نفر، مشتمل بر گروهکهای مائوئیستی و در رأس آنها گروهک ضد انقلابی «سازمان انقلابی» و نیز گروهی از افغانهای فرادی که پس از انقلاب افغانستان به ایران آمده‌اند، در جلوی سفارت شوروی بنظا هر پرداختند. تلاش عناصر ضد انقلابی برای ورود به سفارت با هوشیاری و استواری پاسداران مستقر در جلوی سفارت به شکست انجامید. تظاهرات ضد شوروی گروهکهای ضد انقلابی نیز پشتیبانی مردم آگاه و انقلابی را جلب نکرد و شکست خورد.

روشن است که گروهکهای ضد انقلابی، که به خیال خود فرصت مناسبی برای منحرف کردن مبارزه ضد امریالیستی و ضد امریکائی مردم بدست آورده‌اند، از تحریکات و تلاشهای ضد انقلابی خود در این زمینه دست بر نخواهد داشت.

ولی شکست دیروز گروهکهای ضد انقلابی و بویژه سوء استفاده‌ای که این گروهکها و پشتیبانان امریکائی و چینی آنها برای منحرف کردن مبارزه ضد امریالیستی و ضد امریکائی خلق ما بعمل می‌آوردند، باید درس و توجیه به برای کسانی باشد که نادانسته و نا آگاهانه به چنین دامهای شیطانی می‌افتند.

خواندگان گرامسی میتوانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیر با «مردم» مکاتبه کنند

پاریس
Rigal Albert
BP 75160
75001 Paris
France

ایتالیا
Shams
Via G. Vincon, 44
Ostia (Roma)
Tel. 0614922 (TUDEH)
انگلیند
P.O. Box 141
London. E 70 PE

بحران اقتصادی انگلستان روز بروز وخیم تر میشود

به گزارش یک ماهنامه کارگری انگلیس، این کشور در شرایطی وارد سال ۱۹۸۰ شده است که بحران اقتصادی روز بروز در انگلیس وخیم تر میشود، که خود منمکس کننده بحران روز افزون در تمام جهان سرمایه داری است. هیا هوئی تبلیغاتی حزب محافظه کار، که ماه گذشته به قدرت رسید، در واقع اکنون به تهاجم علیه حقوق مادی و اجتماعی زحمتکش تبدیل شده است. در سال ۱۹۷۹ سطح زندگی در انگلیس در مقام مقایسه با سال ۱۹۷۸ حدود دو نیم درصد (۲/۵) کاهش یافت و شمار بیکاران به یک میلیون و پانصد هزار تن رسید. اکنون نرخ تورم ۱۷/۴ درصد رسیده است.

همانطور که کمیته رایج میان کنگره اتحادیه های کارگری و حزب کارگر اعلام کرد، سیاست دولت محافظه کار به پیامدهای فاجعه آمیزی منجر شده است. دولت محافظه کار تاجر با دستاویز با اصلاح صرف جوئی دبدوچه دولتی، مخارج اجتماعی را کاهش داد، اما در مقابل قرار است در سال جاری بودجه دفاعی را به حد میلبارد لسیه افزایش دهد.

رانندگان بیکار راه سازی با ایجاد کار برای ما، تحریکات ضد انقلاب را عقیم گذارید!

ساختن و عمرانی پیش از بیکار کردن ایران و کار خود بدین نشان دهیم که انقلاب اسلامی چیست. «مردم» - هشیاری و آگاهی کارگران و پشتیبانی پر دریغ و آگاهانه آنان از رهبری انقلاب، شایان تحسین است. لازمست که هر چه زودتر به درخواستهای منطقی و در تمام این مدت پشتیبانی خود - را از جمهوری اسلامی علنا ثابت کردیم، لذا برای اینکه ضد - انقلاب برادران بیکار ما را به صفوف خود نکشاند، از مسئولین امر می‌خواهیم که هر چه زودتر در قسمت‌های راه سازی و ساختن و با عمرانی در هر نقطه‌ای از ازمملکت

گروهی از رانندگان، کمک رانندگان و کارگران فنی بیکار راه سازی و ساختمانی، نامه‌ای با پیش از صد امضاء، به دفتر روزنامه «مردم» فرستادند. آنها در این نامه از مقامات مسئول خواسته‌اند که برای خنثی کردن تحریکات ضد انقلاب هر چه زودتر برای آنها ایجاد کار کنند. در زیر قسمتی از نامه آنها را نقل می‌کنیم.

مادرانندگان راه سازی و

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۳۵۹
چاپ، کلوبان

MARDOM

No. 133
2 January 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریالیسم آمریکا